

لاویان

قربانی سوختنی

¹ خداوند از خیمه ملاقات با موسی سخن گفت و به او فرمود: ² «این دستورها را به بنی اسرائیل بده. وقتی کسی به خداوند قربانی تقدیم می کند، قربانی او باید گاو، گوسفند و یا بز باشد. ³ اگر بخواهد برای قربانی سوختنی یک گاو قربانی کند، آن گاو باید نر و بی عیب باشد. گاو را دم مدخل خیمه ملاقات بیاورد تا مورد قبول خداوند قرار گیرد. ⁴ شخصی که آن را می آورد، باید دستش را روی سر حیوان بگذارد. به این ترتیب آن قربانی پذیرفته شده، گاهان شخص را کفاره می کند. ⁵ بعد خود آن شخص حیوان را در حضور خداوند سر ببرد و پسران هارون که کاهنند، خون آن را بیاورند و بر چهار طرف مذبح که جلوی مدخل خیمه ملاقات است، پاشند. ⁶ سپس آن شخص پوست گاو را بکند و آن را قطعه قطعه کند، ⁷ و کاهنان هیزم روی مذبح بگذارند، آتش روشن کنند ⁸ و قطعه ها و سر و چربی آن را روی هیزم قرار دهند. ⁹ آنگاه آن شخص باید دل و روده و پاچه های گاو را با آب بشوید و کاهنان همه را روی مذبح بسوزانند. این قربانی سوختنی، هدیه ای خوشبو و مخصوص برای خداوند خواهد بود.

¹⁰ «اگر گوسفند یا بز برای قربانی بیاورند، آن نیز باید نر و بی عیب باشد. ¹¹ شخصی که آن را می آورد باید در سمت شمالی مذبح در حضور خداوند سرش را ببرد و کاهنان که پسران هارونند، خونش را بر چهار طرف مذبح پاشند. ¹² سپس، آن شخص حیوان قربانی شده را قطعه قطعه کند و کاهنان این قطعه ها را با سر و چربی آن روی هیزم مذبح بگذارند. ¹³ آن شخص باید دل و روده و پاچه های گوسفند یا بز را با آب بشوید.

سپس کاهنان همه آنها را روی آتش مذبح بسوزانند. این قربانی سوختنی، هدیه‌ای مخصوص و خوشبو برای خداوند خواهد بود.

¹⁴ «اگر کسی می‌خواهد برای قربانی سوختنی پرنده برای خداوند قربانی کند، آن پرنده باید قمری یا جوجه کبوتر باشد. ¹⁵ کاهن، پرنده را بگیرد و جلوی مذبح سرش را بپیچاند و آن را بر مذبح بسوزاند. اما اول باید خونسش را بر پهلوی مذبح بچلاند. ¹⁶ چینه‌دان و محتویات داخل شکمش* را درآورد و آنها را در طرف شرق مذبح در جایی که خاکستر مذبح ریخته می‌شود بیندازد. ¹⁷ سپس بالهای پرنده را گرفته، آن را از وسط پاره کند بدون اینکه پرنده دو تکه شود. آنگاه کاهن آن را روی هیزم مذبح بسوزاند. این قربانی سوختنی، هدیه‌ای مخصوص و خوشبو برای خداوند خواهد بود.

2

هدیه آردی

¹ «هرگاه کسی برای خداوند هدیه آردی آورد، هدیه او باید از آرد مرغوب باشد. او باید روغن زیتون روی آن بریزد و کندر بر آن بگذارد.

² سپس یک مشت از آن را که نمونه تمام هدیه است به یکی از کاهنان بدهد تا آن را بسوزاند. این هدیه، هدیه‌ای مخصوص و خوشبو برای خداوند خواهد بود. ³ بقیه هدیه آردی به هارون و پسرانش داده شود تا برای خوراک از آن استفاده کنند. قسمتی که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا از هدایای مخصوصی که به خداوند تقدیم می‌شوند، گرفته شده است.

⁴ «هرگاه کسی نان پخته شده در تنور برای خداوند هدیه آورد، آن نان باید بدون خمیرمایه و از آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون تهیه شده باشد. از نان بدون خمیرمایه که روغن روی آن مالیده شده باشد نیز

* 1:16 161: «محتویات داخل شکمش» یا «پرهایش».

می‌توان به عنوان هدیه استفاده کرد.⁵ اگر کسی نان پخته شده روی ساج هدیه آورد، آن نان نیز باید از آرد مرغوب بدون خمیرمایه و مخلوط با روغن زیتون باشد.⁶ او باید آن را تکه‌تکه کند و رویش روغن بریزد. این نیز یک نوع هدیه آردی است.⁷ اگر هدیه شما در تابه پخته شود، آن هم باید از آرد مرغوب و روغن زیتون باشد.

⁸ «این هدایای آردی را نزد کاهن بیاورید تا به مذبح ببرد و به خداوند تقدیم کند.⁹ کاهنان باید فقط مقدار کمی از هدیه را به عنوان نمونه بسوزانند. این هدیه، هدیه‌ای مخصوص و خوشبو برای خداوند است.¹⁰ بقیه هدیه آردی به هارون و پسرانش داده شود تا برای خوراک از آن استفاده کنند. قسمتی که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا از هدایای مخصوصی که به خداوند تقدیم می‌شوند، گرفته شده است.¹¹» برای تهیه هدیه آردی که به خداوند تقدیم می‌شود از خمیرمایه استفاده نکنید، زیرا به کار بردن خمیرمایه یا عسل در هدایای مخصوصی که به خداوند تقدیم می‌شوند، جایز نیست.¹² هنگام تقدیم نوبر محصول خود به خداوند می‌توانید از نان خمیرمایه‌دار و عسل استفاده کنید، ولی این هدیه را نباید به عنوان هدیه‌ای خوشبو بر مذبح بسوزانید.

¹³ «به تمام هدایا باید نمک بزنید، چون نمک یادآور عهد خداست.

¹⁴ «هرگاه از نوبر محصول خود به خداوند هدیه می‌دهید دانه‌ها را از خوشه‌ها جدا کرده، بکوبید و برشته کنید.¹⁵ سپس روغن زیتون بر آن بریزید و کندر روی آن بگذارید، زیرا این نوعی هدیه آردی است.¹⁶ آنگاه کاهنان قسمتی از غله کوبیده شده و مخلوط با روغن را با تمام کندر به عنوان نمونه بر آتش بسوزانند و همچون هدیه مخصوص به خداوند تقدیم کنند.

¹ «هرگاه کسی بخواهد قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کند، می‌تواند برای این کار از گاو نریا ماده استفاده نماید. حیوانی که به خداوند تقدیم می‌شود باید سالم و بی‌عیب باشد. ² شخصی که حیوان را تقدیم می‌کند، باید دست خود را روی سر آن بگذارد و دم در خیمهٔ ملاقات سرش را ببرد. پسران هارون خون آن را بر چهار طرف مذبح پاشند. ³ کاهن باید بخشی از این قربانی سلامتی را به عنوان هدیهٔ اختصاصی به خداوند تقدیم کند. این هدیه شامل چربی داخل شکم، ⁴ دو قلوه و چربی روی آنها در قسمت تهیگاه و سفیدی روی جگر خواهد بود. اینها باید همراه قلوه‌ها خارج شوند، ⁵ و پسران هارون آنها را بر مذبح، روی قربانی سوختنی، بسوزانند. این هدیه، هدیه‌ای مخصوص و خوشبو برای خداوند است.

⁶ «برای قربانی سلامتی می‌توان گوسفند (بز) نریا ماده (که سالم و بی‌عیب باشند نیز به خداوند تقدیم کرد. ⁷ اگر قربانی، گوسفند باشد، شخصی که آن را به خداوند تقدیم می‌کند باید آن را به حضور خداوند آورده، ⁸ دستش را روی سر حیوان بگذارد و دم در خیمهٔ ملاقات سرش را ببرد. سپس پسران هارون خون آن را بر چهار طرف مذبح پاشند. ⁹ کاهن باید چربی این قربانی سلامتی را به عنوان هدیهٔ مخصوص به خداوند تقدیم کند. این چربی شامل دنبه که از نزدیکی ستون مهره‌ها جدا شده، و تمام چربی داخل شکم، ¹⁰ دو قلوه و چربی روی آنها در قسمت تهیگاه، و سفیدی روی جگر می‌باشد. اینها همراه با قلوه‌ها باید جدا شوند ¹¹ و کاهن آنها را همچون هدیهٔ مخصوص خوراکی به خداوند تقدیم کرده، بر آتش مذبح بسوزاند.

¹² «اگر قربانی، بز باشد، شخصی که آن را به خداوند تقدیم می‌کند، باید آن را به حضور خداوند آورده، ¹³ دستش را روی سر حیوان بگذارد و دم در خیمهٔ ملاقات سرش را ببرد. سپس پسران هارون خون آن را

بر چهار طرف مذبح پیاشند¹⁴ کاهن باید قسمتی از این قربانی را به عنوان هدیه مخصوص به خداوند تقدیم کند. این شامل چربی داخل شکم،¹⁵ و قلوه و چربی روی آنها در قسمت تهیگاه، و سفیدی روی جگر می باشد. اینها همراه با قلوه‌ها باید جدا شوند.¹⁶ سپس کاهن این همه را به عنوان خوراک بر مذبح بسوزاند. این هدیه، هدیه‌ای مخصوص و خوشبو برای خداوند است. تمام چربی آن حیوان به خداوند تعلق دارد.¹⁷ هیچ‌یک از شما نباید خون یا چربی بخورید. این قانونی است ابدی برای شما و نسلهایتان، در هر جا که باشید.»

4

قربانی نگاه

¹ خداوند به موسی فرمود: ² «این دستورها را به بنی اسرائیل بده. اگر کسی ناخواسته مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند را زیر پا گذارد، باید طبق این مقررات عمل کند:

³ «اگر نگاه از کاهن اعظم سر زده باشد و بدین ترتیب قوم را نیز گناهکار ساخته باشد، برای نگاه خود باید گوساله‌ای سالم و بی‌عیب به خداوند تقدیم کند.⁴ گوساله را دم در خیمه ملاقات بیاورد، دستش را روی سر آن بگذارد و همان جا در حضور خداوند سرش را ببرد.⁵ کاهن اعظم مقداری از خون گوساله را به داخل خیمه ملاقات ببرد،⁶ انگشت خود را در خون فروبرد و در حضور خداوند آن را هفت بار جلوی پرده قدس الاقداس پیاشند.⁷ سپس در حضور خداوند قدری از خون را روی شاخهای مذبح بخور که داخل خیمه است، بمالد. باقیمانده خون را به پای مذبح قربانی سوختنی که نزدیک در خیمه ملاقات است، بریزد.⁸ آنگاه تمام چربی داخل شکم،⁹ قلوه‌ها و چربی روی آنها، و سفیدی روی جگر را بردارد،¹⁰ و آنها را روی مذبح قربانی سوختنی بسوزاند، درست همان‌طور که چربی گاو قربانی سلامتی را می‌سوزاند.¹¹ اما باقیمانده

گوساله، یعنی پوست، گوشت، کله، پاچه، دل و روده و سرگین را ¹² به مکان طاهری ببرد که در خارج از اردوگاه برای ریختن خاکستر مذبح مقرر شده است و در آنجا آنها را روی هیزم بسوزاند.

¹³ «اگر تمام قوم اسرائیل ناخواسته مرتکب گاهی شوند و یکی از قوانین خداوند را زیر پا بگذارند، هر چند این کار را ندانسته انجام داده باشند، مقصر محسوب می‌شوند. ¹⁴ وقتی آنها به گناه خود پی بردند، باید گوساله‌ای برای کفاره نگاه خود قربانی کنند. گوساله را به خیمه ملاقات بیاورند ¹⁵ و در آنجا بزرگان قوم در حضور خداوند دستهای خود را روی سر حیوان بگذارند و آن را ذبح کنند. ¹⁶ آنگاه کاهن اعظم مقداری از خون گوساله را به داخل خیمه ملاقات بیاورد ¹⁷ و انگشت خود را در خون فرو برد و در حضور خداوند آن را هفت بار جلوی پرده قدس الاقداس پاشد. ¹⁸ بعد در حضور خداوند قدری از خون را بر شاخهای مذبح بخور که در خیمه ملاقات است، بمالد و باقیمانده خون را به پای مذبح قربانی سوختنی که نزدیک در خیمه است، بریزد. ¹⁹ تمام چربی باید روی مذبح سوزانده شود. ²⁰ کاهن اعظم باید از همان روش قربانی نگاه پیروی کند. به این طریق برای قوم خدا کفاره خواهد کرد و خطای آنان بخشیده خواهد شد. ²¹ او گوساله قربانی شده را از اردوگاه بیرون ببرد و بسوزاند، همان طور که گوساله قربانی نگاه خود را می‌سوزاند. این قربانی نگاه تمام قوم اسرائیل است.

²² «اگر یکی از رهبران ناخواسته مرتکب گاهی شود و یکی از قوانین خداوند، خدای خود را زیر پا گذارد، مقصر محسوب می‌شود. ²³ وقتی او به گاهش پی برد، باید یک بز نر سالم و بی‌عیب تقدیم کند. ²⁴ دست خود را روی سر بز بگذارد و در جایی که قربانیهای سوختنی را سر می‌برند آن را ذبح کند و به خداوند تقدیم نماید. این، قربانی نگاه اوست. ²⁵ بعد کاهن قدری از خون قربانی نگاه را بگیرد و با انگشت خود روی شاخهای مذبح

قربانی سوختنی بمالد و بقیه خون را به پای مذبح بریزد. ²⁶ تمام چربی باید مثل چربی قربانی سلامتی، روی مذبح سوزانده شود. به این ترتیب کاهن برای نگاه رهبر کفار خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

²⁷ «اگر یک فرد عادی ناخواسته مرتکب گناهی شود و یکی از قوانین خداوند را زیر پا گذارد، مقصر محسوب می شود. ²⁸ وقتی او به نگاه خود پی برد، باید یک بز ماده سالم و بی عیب بیاورد تا آن را برای نگاهش قربانی کند. ²⁹ بز را به مکانی بیاورد که قربانیهای سوختنی را سر می برند. در آنجا دست خود را روی سر حیوان بگذارد و آن را ذبح کند. ³⁰ کاهن با انگشت خود قدری از خون را روی شاخهای مذبح قربانی سوختنی بمالد و بقیه خون را به پای مذبح بریزد. ³¹ تمام چربی باید مثل چربی قربانی سلامتی، جدا شده، بر مذبح سوزانده شود، و این هدیه ای خوشبو برای خداوند خواهد بود. به این ترتیب کاهن نگاه آن شخص را کفار خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

³² «اگر آن شخص بخواد برای کفاره نگاهش بره قربانی کند، باید آن بره، ماده و بی عیب باشد. ³³ او باید دست خود را روی سر بره بگذارد و آن را در مکانی که قربانیهای سوختنی را سر می برند، به عنوان قربانی نگاه ذبح کند. ³⁴ کاهن با انگشت خود قدری از خون را بر شاخهای مذبح قربانی سوختنی بمالد و بقیه خون را به پای مذبح بریزد. ³⁵ چربی آن مثل چربی بره قربانی سلامتی روی مذبح سوزانده شود. کاهن آن را مانند قربانیایی که بر آتش به خداوند تقدیم می شوند، بسوزاند. به این ترتیب کاهن نگاه آن شخص را کفار خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

5

موارد قربانی نگاه

¹ «هرگاه کسی از وقوع جرمی اطلاع داشته باشد ولی در مورد آنچه که دیده یا شنیده در دادگاه شهادت ندهد، مجرم است.

2 «هرگاه کسی لاشهٔ حیوان حرام گوشتی را لمس کند، حتی اگر ندانسته این کار را کرده باشد، نجس و مجرم است. 3 هرگاه کسی نجاست انسان را لمس کند، حتی اگر ندانسته این کار را کرده باشد، وقتی متوجه شد چه کرده است، مجرم می‌باشد.

4 «اگر کسی نسنجیده قولی دهد و قسم بخورد که آن را بجا آورد ولی بعد پی ببرد که قول بی‌جایی داده است، مجرم می‌باشد. 5 در هر یک از این موارد، شخص باید به گاهش اعتراف کند 6 و برای قربانی گاه خود یک بره یا بز ماده نزد خداوند بیاورد تا کاهن برایش کفاره کند.

7 «اگر شخص مجرم تنگدست باشد و نتواند بره‌ای بیاورد، می‌تواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر برای کفارهٔ گاه خود به خداوند تقدیم کند، یکی برای قربانی گاه و دیگری برای قربانی سوختنی. 8 کاهن پرنده‌ای را که برای قربانی گاه آورده شده، بگیرد و سرش را ببرد، ولی طوری که از تنش جدا نشود. 9 سپس قدری از خون آن را بر پهلوئی مذبح پاشد و بقیه را به پای مذبح بریزد. این، قربانی گاه است. 10 پرندهٔ دیگر را به عنوان قربانی سوختنی طبق دستورالعملی که قبلاً داده شده است قربانی کند. به این ترتیب کاهن برای گاه او کفاره خواهد کرد و گاه او بخشیده خواهد شد.

11 «اگر او فقیرتر از آنست که بتواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر برای کفارهٔ گاه خود قربانی کند، می‌تواند یک کیلو آرد مرغوب بیاورد. ولی نباید آن را با روغن زیتون مخلوط کند یا کندر بر آن بگذارد، زیرا این، قربانی گاه است. 12 آرد را پیش کاهن بیاورد تا کاهن مشتق از آن را به عنوان نمونه بردارد و روی مذبح بسوزاند، درست مثل قربانیایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود. این، قربانی گاه اوست. 13 به این ترتیب کاهن برای گاه او در هر یک از این موارد، کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد. در این قربانی نیز مثل هدیهٔ آردی، بقیهٔ آرد به کاهن

تعلق می گیرد.»

قربانی جبران

14 خداوند این دستورها را به موسی داد: 15 «هرگاه کسی در دادن هدیه‌ای که در نظر خداوند مقدّس است ناخواسته قصور ورزد، باید یک قوچ سالم و بی‌عیب برای قربانی جبران به خداوند تقدیم نماید. قوچی که برای قربانی جبران اهدا می‌شود ارزش آن باید به مثقال نقره برحسب مثقال* عبادتگاه برآورده شود. 16 او باید علاوه بر باز پرداخت هدیه، یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، همه را به کاهن بدهد. کاهن با آن قوچ قربانی جبران، برایش کفاره خواهد کرد و او بخشیده خواهد شد.

17 «اگر کسی مرتکب گناهی شده، یکی از قوانین خداوند را زیر پا بگذارد، ولی نداند که چنین کاری از او سر زده است، باز مجرم است و باید تاوان گناهش را پس بدهد. 18 او باید برای قربانی جبران یک قوچ سالم و بی‌عیب نزد کاهن بیاورد. قیمت قوچ باید مطابق قیمت تعیین شده باشد. کاهن با این قربانی برای او کفاره کند تا گناهش بخشیده شود. 19 این قربانی جبران است برای جرمی که او نسبت به خداوند مرتکب شده است.»

6

1 خداوند به موسی فرمود: 2 «هرگاه کسی نسبت به شخصی گناه کرده، به خداوند خیانت ورزد، و از پس دادن چیزی که پیش او گرو گذاشته شده خودداری نماید یا در امانت خیانت ورزد، یا دزدی کند یا مال همسایه‌اش را غصب نماید، 3 و یا اینکه در خصوص چیز گمشده‌ای که پیدا کرده است دروغ بگوید و قسم بخورد که پیش او نیست، یا مرتکب هر گناهی از این قبیل شود، 4-5 روزی که جرم او ثابت شود باید اصل

* 5:15 155: عبری: «شِکِل». «یک شِکِل تقریباً معادل ۱۱ گرم است.

مال را پس دهد و یک پنجم ارزش آن را نیز به آن افزوده، به صاحب مال بپردازد. ⁶ او باید به عنوان قربانی جبران، یک قوچ بی عیب و با ارزش نزد کاهن به خیمه ملاقات بیاورد و به خداوند تقدیم کند. این قوچ باید مطابق معیار رسمی، ارزیابی شود. ⁷ کاهن با این قربانی برای او در حضور خداوند کفاره خواهد کرد و نگاه او بخشیده خواهد شد.»

قوانین قربانی سوختنی

⁸ آنگاه خداوند به موسی فرمود: ⁹ «این دستورها را در مورد قربانی سوختنی به هارون و پسرانش بده. قربانی سوختنی باید تمام شب بر روی مذبح باشد و آتش مذبح خاموش نشود. ¹⁰ صبح روز بعد، کاهن لباس زیر و لباس گنّی خود را بپوشد و خاکستر قربانی سوختنی را برداشته، کنار مذبح بگذارد. ¹¹ سپس لباسش را عوض کند و خاکستر را بیرون از اردوگاه ببرد و در مکان طاهری که برای این کار مقرر شده است، بریزد. ¹² کاهن هر روز صبح هیزم تازه بر آن بنهد و قربانی سوختنی روزانه را روی آن بگذارد و چربی قربانی سلامتی را بر آن بسوزاند. ¹³ آتش مذبح باید همیشه روشن بماند و هرگز خاموش نشود.»

قوانین هدیه آردی

¹⁴ «قوانین مربوط به هدیه آردی از این قرار است: کاهن برای تقدیم هدیه آردی به خداوند جلوی مذبح بایستد، ¹⁵ سپس مشتی از آرد مرغوب آغشته به روغن زیتون را با کندری که بر آن است بردارد و به عنوان نمونه برای خداوند روی مذبح بسوزاند. این هدیه مورد پسند خداوند خواهد بود. ¹⁶ بقیه آرد، متعلق به هارون و پسرانش می باشد تا از آن برای خوراک خود استفاده کنند. این آرد باید بدون خمیرمایه پخته شود و در حیاط خیمه ملاقات خورده شود. ¹⁷ این قسمت از هدیه آردی را که بر آتش به خداوند تقدیم می شود، خداوند به کاهنان داده است. مانند قربانی نگاه و قربانی جبران، این قسمت از هدیه آردی نیز بسیار مقدّس می باشد.»

18 پسران هارون نسل اندر نسل می‌توانند این قسمت از هدیه را بخورند. این هدیه که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، همیشه سهم کاهنان خواهد بود و کس دیگری حق ندارد به آن دست بزند.»

19 سپس خداوند به موسی فرمود: 20 «هارون و هر کدام از پسرانش در روزی که برای انتصاب به مقام کاهنی مسح می‌شوند باید یک کیلو آرد مرغوب، به اندازه هدیه آردی روزانه به حضور خداوند بیاورند و نصف آن را در صبح و نصف دیگر را در عصر به خداوند تقدیم کنند. 21 این هدیه باید روی ساج با روغن زیتون پخته شود سپس تکه‌تکه شده، به عنوان هدیه آردی به خداوند تقدیم گردد. این هدیه مورد پسند خداوند خواهد بود. 22 هر کاهنی که به جای پدر خود، کاهن اعظم می‌شود باید در روز انتصاب خود همین هدیه را به خداوند تقدیم کند. این فریضه‌ای ابدی است. 23 هر هدیه آردی کاهن باید تماماً سوزانده شود و چیزی از آن خورده نشود.»

قوانین قربانی گناه

24 خداوند به موسی فرمود: 25 «این دستورها را در مورد قربانی گناه به هارون و پسرانش بده. این قربانی بسیار مقدس است و باید در حضور خداوند در جایی ذبح شود که قربانیهای سوختنی را سر می‌برند. 26 کاهنی که قربانی را تقدیم می‌کند، گوشت آن را در حیاط خیمه ملاقات که جای مقدسی است، بخورد. 27 فقط کسانی که تقدیس شده‌اند، یعنی کاهنان، اجازه دارند به این گوشت دست بزنند. اگر خون آن قربانی به لباس ایشان پاشد باید لباس خود را در مکانی مقدس بشویند. 28 ظرف سفالینی که گوشت در آن پخته می‌شود باید شکسته شود. اگر گوشت در یک ظرف مسی پخته شده باشد باید آن ظرف را کاملاً تمیز کنند و با آب بشویند. 29 هر مردی از خانواده کاهنان می‌تواند از این گوشت

بخورد. این قربانی بسیار مقدس است.³⁰ اما در مواردی که خون قربانی نگاه برای کفاره در قدس به داخل خیمه ملاقات برده می‌شود، گوشت قربانی را نباید خورد بلکه باید تماماً سوزاند.

7

قوانین قربانی جبران

¹ «قوانین قربانی جبران که قربانی بسیار مقدسی است، از این قرار می‌باشد: ² حیوان قربانی باید در مکانی که قربانی سوختنی را سر می‌برند، ذبح شود و خونس بر چهار طرف مذبح پاشیده شود. ³ کاهن تمام چربی آن را تقدیم کند، یعنی دنبه و چربی داخل شکم، ⁴ دو قلوه و چربی روی آنها در قسمت تهیگاه، و نیز سفیدی روی جگر. اینها باید همراه قلوه‌ها جدا شوند. ⁵ سپس، کاهن آنها را به عنوان قربانی جبران بر آتش مذبح برای خداوند بسوزاند. ⁶ پسران کاهنان می‌توانند از این گوشت بخورند. این گوشت باید در جای مقدسی خورده شود. این قربانی، بسیار مقدس است.»

⁷ «قانونی که باید در مورد قربانی نگاه و قربانی جبران رعایت شود این است: گوشت قربانی به کاهنی تعلق خواهد داشت که مراسم کفاره را اجرا می‌کند. ⁸ در ضمن پوست قربانی سوختنی نیز به آن کاهن تعلق دارد. ⁹ هر هدیه آردی که در تنور یا در تابه یا روی ساج پخته می‌شود به کاهنی تعلق خواهد گرفت که آن را به خداوند تقدیم می‌کند. ¹⁰ تمام هدایای آردی دیگر، خواه مخلوط با روغن زیتون و خواه خشک، به طور مساوی به پسران هارون تعلق دارد.»

قوانین قربانی سلامتی

¹¹ «قوانین قربانی سلامتی که به خداوند تقدیم می‌شود از این قرار است: ¹² اگر قربانی به منظور شکرگزاری باشد، همراه آن باید این نانهای بدون خمیرمایه نیز تقدیم شوند قرصهای نان که با روغن زیتون مخلوط شده

باشند، نانهای نازک که روغن مالی شده باشند، نانهایی که از مخلوط آرد مرغوب و روغن زیتون تهیه شده باشند.¹³ همچنین همراه قربانی باید قرصهای نان خمیرمایه‌دار نیز تقدیم شوند.¹⁴ از هر نوع نان باید یک قسمت به عنوان هدیه مخصوص به خداوند تقدیم شود تا به کاهنی تعلق گیرد که خون حیوان قربانی را روی مذبح می‌پاشد.¹⁵ گوشت حیوان قربانی سلامتی باید در روزی که به عنوان هدیه شکرگزاری تقدیم می‌گردد، خورده شود و چیزی از آن برای روز بعد باقی نماند.

¹⁶ «اگر قربانی، داوطلبانه یا نذری باشد، گوشت قربانی در روزی که آن را تقدیم می‌کنند، باید خورده شود. اگر از گوشت قربانی چیزی باقی بماند می‌توان آن را روز بعد نیز خورد.¹⁷ ولی هر چه تا روز سوم باقی بماند، باید کاملاً سوزانده شود.¹⁸ اگر در روز سوم چیزی از گوشت قربانی خورده شود، خداوند آن قربانی را قبول نخواهد کرد و به حساب نخواهد آورد زیرا آن گوشت نجس شده است. کسی هم که آن را بخورد مجرم می‌باشد.

¹⁹ «گوشتی را که به چیزی نجس خورده است نباید خورد، بلکه باید آن را سوزاند. گوشت قربانی را فقط کسانی می‌توانند بخورند که طاهر هستند.²⁰ هر که طاهر نباشد و گوشت قربانی سلامتی را که از آن خداوند است، بخورد باید از میان قوم منقطع شود.²¹ اگر کسی به چیزی نجس دست بزند، خواه نجاست انسان باشد، خواه حیوان نجس و یا هر چیز نجس دیگر، و بعد از گوشت قربانی سلامتی که از آن خداوند است، بخورد، باید از میان قوم خدا منقطع شود.»

²² خداوند به موسی فرمود: ²³ «این دستورها را به بنی اسرائیل بده. هرگز چربی گاو و گوسفند و بز را نخورید.²⁴ چربی حیوانی که مرده یا توسط جانوری دریده شده باشد هرگز خورده نشود بلکه از آن برای کارهای دیگر استفاده شود.²⁵ هر کس چربی حیوانی را که بر آتش به

خداوند تقدیم می‌شود بخورد باید از میان قوم منقطع شود. ²⁶ هر جا که ساکن باشید، هرگز خون نخورید، نه خون پرنده و نه خون چارپا. ²⁷ هر کس، در هر جا، خون بخورد، باید از میان قوم خدا منقطع شود.»

سهم کاهن از قربانی

²⁸ سپس خداوند به موسی فرمود: ²⁹ «این دستورها را به بنی اسرائیل بده: هر کس بخواد قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کند باید قسمتی از آن قربانی را به عنوان هدیه نزد خداوند بیاورد. ³⁰ او باید به دست خود آن را همچون هدیه مخصوص به خداوند تقدیم کند. چربی حیوان را با سینه تقدیم کند و سینه قربانی را به عنوان هدیه مخصوص، در حضور خداوند تکان دهد. ³¹ کاهن چربی را بر مذبح بسوزاند، ولی سینه قربانی متعلق به هارون و پسرانش باشد. ³²⁻³³ ران راست قربانی، به عنوان هدیه مخصوص، به کاهنی داده شود که خون و چربی قربانی را تقدیم می‌کند؛ ³⁴ زیرا خداوند سینه و ران قربانی سلامتی را از قوم اسرائیل گرفته و آنها را به عنوان هدیه مخصوص به کاهنان داده است و همیشه به ایشان تعلق خواهند داشت. ³⁵ این قسمت از هدایایی که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود در روز انتصاب هارون و پسرانش به خدمت خداوند، به ایشان داده شد. ³⁶ در روزی که ایشان مسح شدند، خداوند دستور داد که قوم اسرائیل این قسمت را به ایشان بدهند. این، قانونی برای تمام نسلهای ایشان می‌باشد.»

³⁷ اینها قوانینی بود در مورد قربانی سوختنی، هدیه آردی، قربانی گاه، قربانی جبران، قربانی انتصاب و قربانی سلامتی ³⁸ که خداوند در بیابان، در کوه سینا به موسی داد تا قوم اسرائیل بدانند چگونه قربانیهای خود را به خداوند تقدیم کنند.

8

مراسم تقدیس هارون و پسرانش

1 خداوند به موسی فرمود: ² «هارون و پسرانش را با لباسهای مخصوص ایشان و روغن تدهین، گوسالهٔ قربانی نگاه، دو قوچ و یک سبد نان بدون خمیرمایه دم در خیمهٔ ملاقات بیاور ³ و تمام جماعت اسرائیل را در آنجا جمع کن.»

4 موسی طبق فرمان خداوند عمل کرد. همهٔ قوم اسرائیل دم در خیمهٔ ملاقات جمع شدند. ⁵ سپس موسی به ایشان گفت: «آنچه اکنون انجام می‌دهم طبق فرمان خداوند است.»

6 آنگاه موسی، هارون و پسرانش را فرا خواند و ایشان را با آب غسل داد. ⁷ پیراهن مخصوص کاهنی را به هارون پوشانید و کمر بند را به کمرش بست. سپس ردا را بر تن او کرد و ایفود* را به وسیلهٔ بند کمر آن بر او بست. ⁸ بعد سینه‌پوش را بر او بست و اوریم و تمیم† را در آن گذاشت، ⁹ و چنانکه خداوند فرموده بود، دستار را بر سر هارون نهاد و نیم تاج مقدس را که از طلا بود جلوی دستار نصب کرد.

10 آنگاه موسی روغن مسح را گرفت و آن را بر خیمهٔ عبادت و هر چیزی که در آن بود پاشید و آنها را تقدیس نمود. ¹¹ سپس مقداری از روغن را برداشت و آن را هفت مرتبه بر مذبح، لوازم آن، حوض و پایه‌اش پاشید و آنها را نیز تقدیس کرد. ¹² بعد قدری از روغن مسح را بر سر هارون ریخت و به این ترتیب او را برای خدمت کاهنی تقدیس نمود. ¹³ سپس موسی به امر خداوند پسران هارون را فرا خواند و پیراهن‌ها را به آنان پوشانید و شال به کمرشان بست و کلاه‌ها را بر سرشان گذاشت. ¹⁴ بعد گوسالهٔ قربانی نگاه را جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر آن گذاشتند. ¹⁵ موسی گوساله را ذبح کرد و قدری از

* «ایفود» جلیقهٔ مخصوصی بود که کاهن روی لباسهای خود می‌پوشید.

† «اوریم و تمیم» احتمالاً دو سنگ بودند که کاهنان از طریق آنها ارادهٔ خدا را تشخیص می‌دادند.

خون آن را با انگشت خود بر شاخهای مذبح مالید تا آن را طاهر سازد. باقیمانده خون را به پای مذبح ریخت. به این ترتیب مذبح را تقدیس کرده، برای آن کفاره نمود. ¹⁶ سپس تمام چربی داخل شکم، سفیدی روی جگر، قلوها و چربی روی آنها را گرفت و همه را روی مذبح سوزانید، ¹⁷ و همان طور که خداوند فرموده بود، لاشه و پوست و فضله گوساله را در خارج از اردوگاه سوزانید.

¹⁸ بعد قوچ قربانی سوختنی را جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند. ¹⁹ موسی قوچ را ذبح کرد و خونس را بر چهار طرف مذبح پاشید. ²⁰ سپس قوچ را قطعه قطعه کرد و آنها را با کله و چربی حیوان سوزانید. ²¹ دل و روده و پاچه ها را با آب شست و آنها را نیز بر مذبح سوزانید. پس همان طور که خداوند به موسی دستور داده بود تمام آن قوچ بر مذبح سوزانده شد. این قربانی سوختنی، هدیه ای خوشبو و مخصوص برای خداوند بود.

²² سپس موسی قوچ دوم را که برای تقدیس کاهنان بود جلو آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را روی سر آن گذاشتند. ²³ موسی قوچ را ذبح کرده، قدری از خونس را بر نرمة گوش راست هارون و شست دست راست او و شست پای راستش مالید. ²⁴ بعد قدری از خون را بر نرمة گوش راست و شست دست راست و شست پای راست پسران هارون مالید. بقیه خون را بر چهار طرف مذبح پاشید.

²⁵ آنگاه چربی، دنبه، چربی داخل شکم، سفیدی روی جگر، قلوها و چربی روی آنها و ران راست قوچ را گرفت ²⁶ و از داخل سبد نان بدون خمیرمایه که در حضور خداوند بود، یک قرص نان بدون خمیرمایه، یک قرص نان روغنی و یک نان نازک برداشت و آنها را روی چربی و ران راست گذاشت. ²⁷ سپس، همه اینها را بر دستهای هارون و پسرانش قرار داد تا به عنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان دهند. ²⁸ پس

از انجام این تشریفات، موسی آنها را از دست ایشان گرفت و با قربانی سوختنی بر مذبح سوزانید. این قربانی تقدیس، هدیه‌ای خوشبو و مخصوص برای خداوند بود.²⁹ موسی سینهٔ قربانی را گرفت و آن را به عنوان هدیهٔ مخصوص تکان داده، به خداوند تقدیم کرد، درست همان‌طور که خداوند به او دستور داده بود. این سهم خود موسی از قوچی بود که برای مراسم تقدیس ذبح می‌شد.

³⁰ سپس موسی قدری از روغن مسح و قدری از خونی را که بر مذبح بود گرفت و بر هارون و لباسهای او و بر پسران او و لباسهای ایشان پاشید و به این ترتیب هارون و پسرانش و لباسهای آنها را تقدیس کرد.

³¹ آنگاه موسی به هارون و پسرانش گفت: «همان‌طور که خداوند فرموده است، گوشت را دم در خیمهٔ ملاقات بپزید و در آنجا آن را با نان مراسم تقدیس که در سبد است، بخورید.³² هر چه از گوشت و نان باقی ماند باید سوزانده شود.³³ هفت روز از در خیمهٔ ملاقات بیرون نروید تا روزهای تقدیس شما سپری شود، زیرا مراسم تقدیس شما هفت روز طول می‌کشد.³⁴ آنچه امروز انجام شد به فرمان خداوند بود تا به این ترتیب برای نگاه شما کفاره داده شود.³⁵ شما باید هفت شبانه روز دم در خیمهٔ ملاقات بمانید و آنچه را که خداوند فرموده است انجام دهید و گرنه خواهید مرد. این دستور خداوند است.»

³⁶ بنابراین هارون و پسرانش هر چه را که خداوند توسط موسی امر فرموده بود، انجام دادند.

9

تقدیم قربانی توسط کاهنان

¹ در روز هشتم، موسی هارون و پسرانش را با مشایخ اسرائیل جمع کرد

² و به هارون گفت: «یک گوسالهٔ نر سالم و بی‌عیب برای قربانی نگاه

و یک قوچ سالم و بی‌عیب برای قربانی سوختنی بگیر و آنها را به حضور خداوند تقدیم کن. ³ بعد به قوم اسرائیل بگو که یک بزغالهٔ نر برای قربانی نگاه خود و یک گوساله و یک بره که هر دو یک ساله و بی‌عیب باشند برای قربانی سوختنی بیاورند. ⁴ همچنین قوم اسرائیل باید یک گاو و یک قوچ برای قربانی سلامتی، و آرد مخلوط با روغن زیتون برای هدیهٔ آردی به خداوند تقدیم کنند زیرا امروز خداوند بر ایشان ظاهر خواهد شد.»

⁵ پس قوم آنچه را که موسی امر فرموده بود، جلوی خیمهٔ ملاقات آوردند و تمام جماعت نزدیک شده، در حضور خداوند ایستادند.

⁶ موسی به ایشان گفت: «خداوند فرموده دستورهای او را انجام دهید تا حضور پر جلال خود را بر شما ظاهر کند.»

⁷ آنگاه موسی به هارون گفت: «نزدیک مذبح بیا و همان‌طور که خداوند فرموده است قربانی نگاه و قربانی سوختنی خود را تقدیم کرده، برای خود کفاره کن و سپس قربانیهای قوم را تقدیم نموده، برای آنها کفاره نما.»

⁸ بنابراین هارون به مذبح نزدیک شد و گوسالهٔ قربانی نگاه خود را ذبح کرد. ⁹ پسرانش خون گوساله را پیش وی آوردند و او انگشت خود را در خون فرو برد و بر شاخهای مذبح مالید و باقیماندهٔ خون را به پای مذبح ریخت. ¹⁰ بعد همان‌طور که خداوند به موسی دستور داده بود، چربی، قلوه‌ها و سفیدی روی جگر قربانی نگاه را بر مذبح، ¹¹ و گوشت و پوست آن را بیرون از اردوگاه سوزانید.

¹² پس از آن هارون قربانی سوختنی را ذبح کرد و پسرانش خون قربانی را آوردند و هارون آن را بر چهار طرف مذبح پاشید. ¹³ ایشان کله و قطعه‌های دیگر حیوان را نزد هارون آوردند و او آنها را بر مذبح سوزانید. ¹⁴ دل و روده و پاچه‌ها را شست و اینها را نیز به عنوان قربانی سوختنی بر مذبح سوزانید.

15 سپس هارون قربانی قوم اسرائیل را تقدیم کرد. او بز قربانی نگاه قوم را ذبح نموده، آن را مانند قربانی نگاه خود برای نگاه قوم تقدیم کرد. 16 آنگاه مطابق قوانین، قربانی سوختنی ایشان را به خداوند تقدیم نمود. 17 بعد هدیه آردی را آورد و مشتی از آن را گرفت و بر مذبح سوزانید. (این قربانی غیر از قربانی سوختنی‌ای بود که هر روز صبح تقدیم می‌شود.) 18 پس از آن هارون گاو و قوچ را به عنوان قربانی سلامتی قوم ذبح کرد. پسران هارون خون قربانی را نزد او آوردند و او آن را بر چهار طرف مذبح پاشید. 19 سپس چربی گاو و قوچ را که شامل چربی داخل شکم و قلوبه‌ها و سفیدی روی جگر گاو و قوچ می‌شد، گرفت 20 و آنها را روی سینه‌های حیوان گذاشته، نزدیک مذبح آورد و تمام چربی را روی مذبح سوزانید. 21 همان‌طور که موسی دستور داده بود، هارون سینه‌ها، و رانهای راست حیوان را به عنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان داد. 22 پس از تقدیم قربانیا، هارون دستهای خود را به طرف قوم اسرائیل دراز کرده، ایشان را برکت داد و از مذبح به زیر آمد. 23 موسی و هارون به خیمه ملاقات رفتند. وقتی از آنجا بیرون آمدند قوم اسرائیل را برکت دادند. آنگاه حضور پر جلال خداوند بر تمام جماعت ظاهر شد 24 و از حضور خداوند آتش فرود آمده، قربانی سوختنی و چربی روی مذبح را بلعید. بنی اسرائیل وقتی این را دیدند، فریاد برآورده، در حضور خداوند به خاک افتادند.

10

نگاه ناداب و ابیهو

1 ناداب و ابیهو پسران هارون، برخلاف امر خداوند، آتش غیر مجاز بر آتشدان خود نهاده، بر آن بخور گذاشتند و به حضور خداوند تقدیم کردند.

2 ناگاه آتش از حضور خداوند بیرون آمده، آنها را سوزاند و آنها در همان جا، در حضور خداوند مردند.

3 آنگاه موسی به هارون گفت: «منظور خداوند همین بود وقتی فرمود: کسانی که مرا خدمت می کنند باید حرمت قدوسیت مرا نگاه دارند تا تمام قوم، مرا احترام بکنند.» پس هارون خاموش ماند.

4 بعد موسی، میثائیل و الصافان (پسران عزرائیل، عموی هارون) را صدا زد و به ایشان گفت: «بروید و اجساد را از داخل خیمه ملاقات بردارید و به خارج از اردوگاه ببرید.»

5 آنها رفتند و همان طور که موسی گفته بود ایشان را که هنوز پیراهنهای کاهنی خود را بر تن داشتند، از اردوگاه بیرون بردند.

6 آنگاه موسی به هارون و پسرانش العازار و ایتامار گفت: «عزاداری ننماید، موهای سرتان را باز نکنید و گریبان لباس خود را چاک نزنید. اگر عزاداری کنید خدا شما را نیز هلاک خواهد کرد و خشم او بر تمام قوم اسرائیل افروخته خواهد شد. ولی بنی اسرائیل می توانند برای ناداب و ابیهو که در اثر آتش هولناک خداوند مردند، عزاداری نمایند. 7 شما از در خیمه ملاقات بیرون نروید مبادا بمیرید، چون روغن مسح خداوند بر شماست.» ایشان طبق دستور موسی عمل کردند.

8 آنگاه خداوند به هارون گفت: 9 «وقتی به خیمه ملاقات می روید، هرگز شراب یا نوشیدنیهای مست کننده دیگر ننوشید مبادا بمیرید. این فریضه ای است ابدی برای تو و پسرانت و تمام نسلهای آینده ات. 10 شما باید فرق بین مقدس و نامقدس، و نجس و طاهر را تشخیص دهید. 11 باید تمام دستورهای مرا که توسط موسی به قوم اسرائیل داده ام، به ایشان بیاموزید.»

12 سپس موسی به هارون و دو پسر بازمانده اش، العازار و ایتامار گفت: «باقیمانده هدیه آردی را که بر آتش به خداوند تقدیم شده است بردارید و از آن، نان بدون خمیرمایه پخته، در کفار مذبح بخورید زیرا این

هدیه، بسیار مقدّس است.¹³ همان گونه که خداوند به من فرموده است باید این را در جای مقدّسی بخورید، زیرا این سهم شما و پسرانتان از هدیه‌ای است که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود.¹⁴ شما و پسران و دخترانتان می‌توانید سینه و ران هدیه مخصوص را که در حضور خداوند تکان داده می‌شود، در مکان طاهری بخورید. این هدایا که سهم شما از قربانی سلامتی قوم اسرائیل می‌باشد به شما و فرزندانان داده شده است.¹⁵ «بنی اسرائیل باید ران و سینه را هنگام تقدیم چربی بر آتش، بیاورند و به عنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان دهند. آن ران و سینه همیشه به شما و فرزندانان تعلق خواهد داشت، همان طور که خداوند فرموده است.»

¹⁶ موسی سراغ بز قربانی گاه را گرفت، ولی پی برد که سوزانده شده است. پس بر العازار و ایتامار خشمگین شده، گفت: ¹⁷ «چرا قربانی گاه را در مکان مقدّس نخوردید؟ این قربانی، بسیار مقدّس می‌باشد و خدا آن را به شما داده است تا گاه قوم اسرائیل را در حضور خداوند کفاره نماید.¹⁸ چون خون آن به داخل عبادتگاه برده نشد، باید حتماً آن را در محوطه خیمه ملاقات می‌خوردید، به طوری که به شما دستور داده بودم.»

¹⁹ ولی هارون به موسی گفت: «با وجودی که ایشان قربانی گاه و قربانی سوختنی خود را به حضور خداوند تقدیم کردند این واقعه هولناک برای من پیش آمد. حال اگر از گوشت قربانی گاه می‌خوریم، آیا خداوند خشنود می‌شود؟»²⁰ موسی وقتی این را شنید، قانع شد.

11

حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت

¹ خداوند به موسی و هارون فرمود: ² «این دستورها را به بنی اسرائیل بدهید. از میان همه حیواناتی که روی خشکی اند، اینها را می‌توانید بخورید:

3 هر حیوانی که شکافته‌سم باشد و نشخوار کند حلال گوشت است. 4 ولی از میان حیوانات نشخوارکننده یا شکافته‌سم، اینها را نمی‌توانید بخورید: شتر، زیرا هرچند نشخوار می‌کند ولی شکافته‌سم نیست؛ پس برای شما حرام است. 5 گورکن، زیرا هرچند نشخوار می‌کند، اما شکافته‌سم نیست؛ پس برای شما حرام است. 6 خرگوش، زیرا هرچند نشخوار می‌کند، ولی شکافته‌سم نیست، پس برای شما حرام است. 7 و خوک، زیرا هرچند شکافته‌سم است، ولی نشخوار نمی‌کند، پس برای شما حرام است. 8 پس نباید این حیوانات را بخورید و یا حتی دست به لاشه آنها بزنید، زیرا گوشت آنها حرام است.

9 «از حیواناتی که در آب زندگی می‌کنند چه در رودخانه باشند و چه در دریا آنها را می‌توانید بخورید که باله و فلس داشته باشند. 10 تمام جانوران آبی دیگر برای شما حرامند؛ 11 نه گوشت آنها را بخورید و نه به لاشه آنها دست بزنید. 12 باز تکرار می‌کنم، هر جانور آبی که باله و فلس نداشته باشد برای شما حرام است.

13 «از میان پرندگان اینها را حرام بدانید* و گوشتشان را نخورید: عقاب، لاشخور، لاشخور سیاه، 14 زغن و شاهین از هر نوع؛ 15 کلاغ از هر نوع؛ 16 شترمرغ، جغد، مرغ دریایی، و باز از هر نوع؛ 17 بوم، قره غاز، جغد بزرگ، 18 جغد سفید، جغد صحرائی؛ کرکس، 19 لک لک، مرغ ماهیخوار از هر نوع؛ هدهد و خفاش.

20 «همه حشرات بالدار که بر چهار پا راه می‌روند برای شما حرامند. 21-22 به جز آنها را که می‌جهدند، یعنی ملخ و انواع گوناگون آن. اینها را می‌توان خورد. 23 اما سایر حشرات بالدار برای شما حرامند.

* 11:13 13:11: مشخصات بسیاری از پرندگانی که در اینجا نام برده شده معلوم نیست.

24 «هر کس به لاشه این حیوانات حرام گوشت دست بزند تا غروب نجس خواهد بود. 25 هر کس لاشه آنها را بردارد باید لباسش را بشوید؛ او تا غروب نجس خواهد بود.

26 «اگر به حیوانی دست بزنید که سمش کاملاً شکافته نباشد و یا نشخوار نکند، نجس خواهید بود، زیرا حرام گوشت هستند. 27 هر حیوان چهارپا که روی پنجه راه رود خوردنش حرام است. هر کس به لاشه چنین حیوانی دست بزند تا غروب نجس خواهد بود. 28 هر کس لاشه آن را بردارد تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید. این حیوانات برای شما حرام هستند.

29 «از میان حیواناتی که روی زمین می‌جنبند، اینها برای شما حرامند: راسو، موش، و هر نوع سوسمار 30 از قبیل مارمولک، سوسمار زمینی، سوسمار معمولی، بزجه و آفتاب پرست. 31 اینها از میان حیواناتی که روی زمین می‌جنبند برای شما حرامند. هر کس به لاشه این جانوران دست بزند تا غروب نجس خواهد بود. 32 اگر لاشه آنها روی چیزی که از جنس چوب، پارچه، چرم یا گونی باشد بیافتد آن چیز نیز نجس خواهد شد؛ باید آن را در آب بگذارید و آن تا غروب نجس خواهد بود ولی بعد از آن، می‌توان دوباره آن را به کار برد. 33 اگر لاشه یکی از این جانوران در یک ظرف سفالین بیفتد، هر چیزی که در ظرف باشد نجس خواهد بود و باید ظرف را شکست. 34 اگر آب چنین ظرفی روی خوراکی ریخته شود آن خوراک نیز نجس خواهد شد و هر آشامیدنی هم که در چنین ظرفی باشد، نجس خواهد بود. 35 اگر لاشه یکی از این جانوران روی توری یا اجاق بیفتد، آن توری یا اجاق نجس خواهد شد و باید آن را شکست. 36 اما اگر لاشه در چشمه یا آب انباری بیفتد، چشمه یا آب انبار نجس نخواهد شد ولی کسی که لاشه را بیرون می‌آورد نجس خواهد شد. 37 اگر لاشه روی دانه‌هایی که قرار است کاشته شود بیفتد آن دانه‌ها نجس نخواهند شد، 38 ولی اگر روی دانه‌های خیس کرده بیفتد

دانه‌ها برای شما نجس خواهند بود.

39 «اگر حیوان حلال گوشتی بمیرد، هر کس لاشهٔ آن را لمس کند تا غروب نجس خواهد بود. 40 همچنین اگر کسی گوشت آن را بخورد و یا لاشهٔ آن را جابه‌جا کند باید لباس خود را بشوید و او تا غروب نجس خواهد بود.

41 «همهٔ جانورانی که روی زمین می‌جنبند، حرامند و نباید خورده شوند. 42 هر جانوری که روی شکم می‌خزد، و جانوری که روی چهار دست و پا راه می‌رود یا پاهای زیاد دارد، حرام است و نباید خورده شود. 43 با آنها خود را نجس نسازید. 44 من خداوند، خدای شما هستم. پس خود را تقدیس نمائید و مقدّس باشید، چون من مقدّس هستم. پس با این جانورانی که روی زمین می‌خزند خود را نجس نکنید. 45 من همان خداوندی هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم. بنابراین باید مقدّس باشید، زیرا من مقدّس هستم.

46 «این قوانین را باید در مورد حیوانات، پرندگان، جانوران آبی و خزندگان رعایت کنید. 47 باید در میان حیوانات نجس و طاهر، حرام گوشت و حلال گوشت، تفاوت قائل شوید.»

12

طهارت بعد از زایمان

1 خداوند به موسی فرمود: 2 «این دستورها را به بنی اسرائیل بده: هرگاه زنی پسری بزاید، آن زن تا مدت هفت روز نجس خواهد بود، همان گونه که به هنگام عادت ماهانهٔ خود نجس است. 3 روز هشتم، پسرش باید ختنه شود. 4 آن زن باید مدت سی و سه روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر گردد. در این مدت او نباید به هیچ چیز مقدّس دست بزند و یا وارد خیمهٔ ملاقات شود. 5 هرگاه زنی دختری بزاید، آن زن

تا دو هفته نجس خواهد بود همان گونه که به هنگام عادت ماهانه خود نجس است. او باید شصت و شش روز صبر کند تا از خونریزی خود کاملاً طاهر شود.

⁶ «وقتی مدت طهارت تمام شود، نوزاد، خواه پسر باشد خواه دختر، مادرش باید یک برهٔ یک ساله برای قربانی سوختنی و یک جوجه کبوتر یا قمری برای قربانی نگاه تقدیم کند. این هدایا را باید دم در خیمهٔ ملاقات نزد کاهن بیاورد. ⁷ کاهن آنها را برای خداوند قربانی نموده، برای مادر کفاره کند. آنگاه او از خونریزی زایمان طاهر خواهد شد. این است آنچه یک زن بعد از زایمان باید انجام دهد. ⁸ ولی اگر آن زن فقیرتر از آن باشد که بتواند یک بره قربانی کند، می‌تواند دو قمری یا دو جوجه کبوتر بیاورد. یکی برای قربانی سوختنی و دیگری برای قربانی نگاه. کاهن باید با تقدیم این قربانیا برایش کفاره کند تا دوباره طاهر شود.»

13

قوانین بیماریهای پوستی

¹ خداوند این قوانین را به موسی و هارون داد:

² «اگر روی پوست بدن شخصی دمل، جوش یا لکهٔ براقی مشاهده شود، باید وی را نزد هارون یا یکی از کاهنان نسل او بیاورند، چون احتمال دارد آن شخص مبتلا به جذام باشد. ³ کاهن لکه را معاینه خواهد کرد. اگر موهایی که در لکه است سفید شده باشد و اگر آن لکه از پوست گودتر باشد، پس مرض جذام است و کاهن باید او را نجس اعلام کند. ⁴ اگر لکه روی پوست سفید باشد اما گودتر از پوست نباشد و موهایی که در لکه است سفید نشده باشد، کاهن باید او را تا هفت روز جدا از دیگران نگه دارد. ⁵ در روز هفتم، کاهن دوباره او را معاینه کند. اگر آن لکه تغییر نکرده باشد و بزرگ نیز نشده باشد، آنگاه کاهن باید هفت روز دیگر هم او را از مردم جدا نگه دارد. ⁶ روز هفتم، کاهن دوباره او

را معاینه کند. اگر نشانه‌های مرض کمتر شده و لکه بزرگ نشده باشد، کاهن او را طاهر اعلام کند، چون یک زخم معمولی بوده است. کافی است آن شخص لباسپایش را بشوید تا طاهر شود.⁷ ولی اگر پس از آنکه کاهن او را طاهر اعلام کرد، آن لکه بزرگ شود، باید دوباره نزد کاهن بیاید.⁸ کاهن باز به آن نگاه کند، اگر لکه بزرگ شده باشد آنگاه او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است.

⁹ «شخصی را که گگان می‌رود بیماری جذام دارد باید نزد کاهن بیاورند⁹ و کاهن او را معاینه کند. اگر آماس چرکی سفیدی در پوست باشد و موهای روی آن نیز سفید شده باشد،¹¹ این جذام مزمن است و کاهن باید او را نجس اعلام کند. دیگر نباید او را برای معاینات بیشتر ننگه داشت، چون مرض وی قطعی است.¹² ولی اگر جذام در پوست پخش شده باشد، به‌گونه‌ای که تا آنجا که کاهن می‌تواند ببیند، بدنش را از سر تا پا پوشانیده باشد،¹³ آنگاه کاهن باید او را معاینه کند، و اگر تمام بدن او که جذام آن را پوشانده سفید شده باشد، کاهن او را طاهر اعلام کند؛ او طاهر است.¹⁴ ولی اگر در جایی از بدنش گوشت تازه نمایان شود، او نجس است.¹⁵ وقتی کاهن گوشت تازه را ببیند، او را نجس اعلام خواهد کرد. گوشت تازه نجس است، زیرا نشانهٔ جذام است.¹⁶ اگر گوشت تازه تغییر کند و سفید شود، او باید نزد کاهن بازگردد.¹⁷ کاهن او را معاینه کند و اگر زخم سفید شده باشد، آنگاه او را طاهر اعلام کند؛ او طاهر است.

¹⁸ «اگر در پوست بدن کسی دملی به وجود بیاید و پس از مدتی خوب بشود،¹⁹ ولی در جای آن، آماسی سفید یا لکه‌ای سفید مایل به سرخی باقی مانده باشد، آن شخص باید برای معاینه نزد کاهن برود.²⁰ اگر کاهن دید که لکه گودتر از پوست است و موهایی که در آن است سفید شده است، آنگاه باید او را نجس اعلام کند. این جذام است که

در آن دمل بروز کرده است. ²¹ ولی اگر کاهن ببیند که موهای سفیدی در لکه نیست و لکه نیز گودتر از پوست نیست و رنگ آن هم روشنتر شده است، آنگاه کاهن او را هفت روز از مردم جدا نگه دارد. ²² اگر در آن مدت لکه بزرگ شد کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است. ²³ ولی اگر لکه بزرگ نشد، این لکه فقط جای دمل است و کاهن باید او را طاهر اعلام نماید.

²⁴ «اگر کسی دچار سوختگی شود و در جای سوختگی لکه سفید یا سفید مایل به سرخ به وجود آید، ²⁵ کاهن باید لکه را معاینه کند. اگر موهای روی آن لکه سفید شده و جای سوختگی گودتر از پوست بدن باشد، این مرض جذام است که در اثر سوختگی بروز کرده و کاهن باید او را نجس اعلام کند. ²⁶ ولی اگر کاهن ببیند که در لکه، موهای سفیدی نیست و لکه گودتر از پوست بدن به نظر نمی آید و کمرنگ شده، کاهن باید هفت روز او را از مردم جدا نگه داشته، ²⁷ روز هفتم دوباره او را معاینه کند. اگر لکه بزرگ شده باشد، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این جذام است. ²⁸ ولی اگر لکه بزرگ نشده و کمرنگ شده باشد، این فقط جای سوختگی است و کاهن باید اعلام نماید که او طاهر است، زیرا این لکه فقط جای سوختگی است.

²⁹ «اگر مردی یا زنی روی سر یا چانه اش زخمی داشته باشد، ³⁰ کاهن باید او را معاینه کند. اگر به نظر آید که زخم گودتر از پوست است و موهای زرد و باریکی در زخم پیدا شود، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا این، جذام سر یا چانه است. ³¹ ولی اگر معاینه کاهن نشان دهد که زخم گودتر از پوست نیست و در ضمن موهای سیاه نیز در آن دیده نمی شود، آنگاه باید او را هفت روز از مردم جدا نگاه دارد

32 و روز هفتم دوباره وی را معاینه کند. اگر زخم بزرگ نشده باشد و موهای زردی نیز در آن نمایان نشده باشد، و اگر لکه گودتر از پوست به نظر نیاید، 33 آنگاه شخص باید موی اطراف زخمش را بتراشد (ولی نه روی خود زخم را) و کاهن هفت روز دیگر او را از مردم جدا نگه دارد. 34 روز هفتم باز معاینه شود و اگر زخم بزرگ نشده باشد و از پوست گودتر به نظر نیاید، کاهن او را طاهر اعلام نماید. او بعد از شستن لباسهایش طاهر خواهد بود. 35 ولی اگر پس از آنکه طاهر اعلام شد، زخم در پوست پخش شود، 36 آنگاه کاهن باید دوباره او را معاینه کند و بی آنکه منتظر دیدن موهای زرد بشود، او را نجس اعلام کند. 37 ولی اگر معلوم شود که زخم تغییری نکرده و موهای سیاهی نیز در آن دیده می شود، پس او شفا یافته و جذامی نیست و کاهن باید او را طاهر اعلام کند.

38 «اگر مرد یا زنی لکه های سفیدی روی پوست بدنش داشته باشد 39 کاهن باید او را معاینه کند. اگر این لکه ها سفید کمرنگ باشند، این یک لکه معمولی است که در پوست بروز کرده است. بنابراین آن شخص طاهر است.

40 «اگر موی سر مردی بریزد، او طاس شده اما طاهر است. 41 اگر موهای مردی از اطراف پیشانی بریزد، او از پیشانی طاس شده، ولی طاهر است. 42 اما چنانچه در سر طاس یا پیشانی او لکه سفید مایل به سرخی وجود داشته باشد، ممکن است جذام باشد که در سر یا پیشانی او بروز کرده است. 43 پس کاهن باید او را معاینه کند. اگر لکه روی سر یا پیشانی او که به رنگ سفید مایل به سرخ است، مانند بیماری جذام در پوست بدن به نظر برسد، 44 او جذامی و نجس است. کاهن باید او را به سبب زخم سر نجس اعلام کند.

45 «وقتی معلوم شود کسی جذامی است، او باید لباس پاره بپوشد و

موهای سرش را باز کند و قسمت پایین صورت خود را پوشانیده، در حین حرکت فریاد بزند: ”جدامی! جدامی!“⁴⁶ تا زمانی که مرض باقی باشد، او نجس است و باید بیرون از اردوگاه، تنها به سر برد.

⁴⁷ «اگر لباسی، چه پشمی چه گنّی، کپک بزند،⁴⁸ هر پارچهٔ بافته یا دوخته شدهٔ گنّی یا پشمی، و هر چرم یا هر چه از چرم تهیه شده باشد -⁴⁹ اگر کپک لباس یا چرم، پارچهٔ بافته یا دوخته، یا هر چیز چرمی، به سرخی یا سبزی بزند، کپک زیان‌آور است و باید به کاهن نشان داده شود.⁵⁰ کاهن لکه را ببیند و آن پارچه یا شیء را مدت هفت روز نگه دارد⁵¹ و روز هفتم دوباره به آن نگاه کند. اگر کپک پخش شده باشد، چه در پارچهٔ بافته شده یا دوخته شده، یا در چرم، کپک مضر است و نجس می‌باشد،⁵² و کاهن باید آن را بسوزاند، چون جدام مسری در آن است و باید در آتش سوخته شود.

⁵³ «ولی اگر کاهن معاینه کند و ببیند که کپک در لباس، چه بافته شده و چه دوخته شده، و یا در چرم، پخش نشده باشد،⁵⁴ باید دستور دهد آنچه را کپک زده است بشویند. سپس هفت روز دیگر آن را جدا نگه دارند.⁵⁵ اگر بعد از آن مدت، رنگ لکه تغییر نکرد، هر چند پخش هم نشده باشد، نجس است و باید سوزانده شود، خواه لکه روی آن و خواه زیر آن باشد.⁵⁶ اما اگر کاهن ببیند که لکه بعد از شستن کمرنگتر شده، آنگاه قسمت لکه‌دار را از پارچه، چه بافته شده چه دوخته شده، و یا چرم جدا کند.⁵⁷ ولی اگر لکه دوباره روی لباس ظاهر شود، چه بافته شده چه دوخته شده، و یا هر چیز چرمی، معلوم می‌شود کپک در حال پیشروی است. آنچه کپک زده است باید سوزانده شود.⁵⁸ اما چنانچه بعد از شستن، دیگر اثری از لکه در لباس، چه بافته شده چه دوخته شده، و یا هر شیء چرمی که با شستشو کپک از آن زوده می‌شود، نباشد، باید بار دیگر شسته شود، و طاهر خواهد بود.»

59 این است قوانین مربوط به مرض جذام در لباس پشمی یا گنّی یا هر چیزی که از چرم درست شده باشد.

14

طهارت از بیماریهای پوستی

1 خداوند به موسی فرمود: 2 «این دستورها درباره شخصی است که از بیماریهای پوستی شفا یافته و برای تطهیرش او را نزد کاهن آورده‌اند: 3 کاهن باید برای معاینه او از اردوگاه بیرون رود. اگر دید که جذام برطرف شده است 4 دستور دهد دو پرنده زنده حلال گوشت، چند تکه چوب سرو، نخ قرمز و چند شاخه از گیاه زوفا برای مراسم تطهیر شخص شفا یافته بیاورند. 5 سپس دستور دهد که یکی از پرندگان را در یک ظرف سفالین که آن را روی آب روان گرفته باشند سر ببرند 6 و چوب سرو، نخ قرمز، شاخه زوفا و پرنده زنده را در خون پرنده‌ای که بر آب روان سرش بریده شده فرو کند. 7 سپس کاهن خون را هفت مرتبه روی شخصی که از جذام شفا یافته، پاشد و او را طهارت اعلام کند و پرنده زنده را هم در صحرا رها نماید. 8 آنگاه شخصی که شفا یافته لباس خود را بشوید و تمام موی خود را بتراشد و خود را بشوید تا طاهر شود. سپس او می‌تواند به اردوگاه بازگشته، در آنجا زندگی کند؛ ولی باید تا هفت روز بیرون خیمه‌اش بماند. 9 در روز هفتم دوباره تمام موی خود را که شامل موی سر، ریش، ابرو و سایر قسمت‌های بدن او می‌شود، بتراشد و لباس‌هایش را بشوید و حمام کند. آنگاه آن شخص طاهر خواهد بود.

10 «روز بعد، یعنی روز هشتم، باید دو بره نر بی‌عیب و یک میش یک ساله بی‌عیب با سه کلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون به عنوان هدیه آردی و یک سوم لیتر روغن زیتون نزد کاهن بیاورد. 11 سپس کاهن آن شخص و هدیه وی را دم در خیمه ملاقات به حضور خداوند بیاورد.

12 کاهن باید یکی از بره‌های نر را با روغن زیتون گرفته، با تکان دادن آنها در جلوی مذبح، به عنوان قربانی جبران به خداوند تقدیم کند. (این قربانی جزو هدایای مخصوصی است که به کاهن تعلق می‌گیرد.)¹³ سپس کاهن در خیمه ملاقات در جایی که قربانی نگاه و قربانی سوختنی ذبح می‌شوند، بره را سر ببرد. این قربانی جبران بسیار مقدس است و باید مثل قربانی نگاه برای خوراک به کاهن داده شود.¹⁴ کاهن، خون قربانی جبران را بگیرد و مقداری از آن را بر نرمة گوش راست شخصی که طاهر می‌شود و روی شست دست راست او و روی شست پای راستش بمالد.¹⁵ پس از آن، کاهن مقداری از روغن زیتون را گرفته، آن را در کف دست چپ خود بریزد،¹⁶ و انگشت دست راست خود را در آن فرو برده، هفت بار روغن را به حضور خداوند پاشد.¹⁷ سپس کاهن مقداری از روغن کف دست خود را روی نرمة گوش راست آن شخص و روی شست دست راست و روی شست پای راست او بمالد.¹⁸ بعد روغن باقیمانده در کف دست خود را بر سر آن شخص بمالد. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای او کفاره خواهد کرد.¹⁹ پس از آن، کاهن باید قربانی نگاه را تقدیم کند و بار دیگر مراسم کفاره را برای شخصی که از جذام خود طاهر می‌شود به جا آورد. سپس کاهن قربانی سوختنی را سر ببرد،²⁰ و آن را با هدیه آردی بر مذبح تقدیم نموده، برای آن شخص کفاره کند تا طاهر محسوب شود.

21 «اگر آن شخص فقیر باشد و نتواند دو بره قربانی کند، می‌تواند یک بره نر به عنوان قربانی جبران بیاورد تا هنگام برگزاری مراسم کفاره جلوی مذبح تکان داده شود و به خداوند تقدیم گردد. همراه با آن یک کلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون به عنوان هدیه آردی و یک سوم لیتر روغن زیتون نیز باید تقدیم شود.²² آن شخص باید دو قمری یا دو جوجه کبوتر نیز بیاورد و یکی را برای قربانی نگاه و دیگری را برای قربانی سوختنی تقدیم کند.²³ روز هشتم آنها را دم در خیمه ملاقات نزد کاهن بیاورد تا

در حضور خداوند برای مراسم طهارت او تقدیم شوند. ²⁴ کاهن بره را به عنوان قربانی جبران همراه با روغن بگیرد و آنها را جلوی مذبح تکان داده، به خداوند تقدیم کند. (این قربانی جزو هدایای مخصوصی است که به کاهن تعلق می‌گیرد.) ²⁵ سپس بره را به عنوان قربانی جبران ذبح کند و قدری از خون آن را روی نرمة گوش راست شخصی که طاهر می‌شود و روی شست دست راست و روی شست پای راست او بمالد. ²⁶ سپس کاهن مقداری از روغن زیتون را در کف دست چپ خود بریزد ²⁷ و با انگشت راستش قدری از آن را هفت بار به حضور خداوند پاشد. ²⁸ بعد قدری از روغن زیتون کف دستش را روی نرمة گوش راست آن شخص و روی شست دست راست و روی شست پای راست وی بمالد. ²⁹ روغن باقیمانده در دست خود را بر سر شخصی که طاهر می‌شود بمالد. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای او کفاره خواهد کرد. ³⁰ پس از آن، باید دو قوری یا دو جوجه کبوتری را که آورده است قربانی کند، ³¹ یکی را برای قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی. همراه آنها هدیه آردی نیز تقدیم شود. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن شخص کفاره خواهد کرد. ³² این است قوانین مربوط به اشخاصی که از بیماری پوستی شفا یافته، ولی قادر نیستند قربانی‌هایی را که برای انجام مراسم طهارت لازم است بیاورند.»

³³ خداوند به موسی و هارون فرمود: ³⁴ «وقتی به سرزمین کنعان که من آن را به شما به ملکیت می‌بخشم، وارد شدید و من بر خانه‌ای در آن سرزمین کپک بفرستم ³⁵ هرگاه کسی در خانه‌اش متوجه کپک شود، باید بیاید و به کاهن بگوید: ”به نظر می‌رسد در خانه من نوعی کپک وجود دارد!“ ³⁶ کاهن پیش از اینکه خانه را مشاهده کند دستور بدهد که خانه تخلیه شود تا اگر تشخیص داد که مرض جذام در آنجا وجود دارد، هر چه در خانه است، نجس اعلام نشود. سپس کاهن وارد خانه

شده³⁷ آن را مشاهده کند. اگر رگه‌های مایل به سبز یا سرخ در دیوار خانه پیدا کرد که گودتر از سطح دیوار به نظر رسید،³⁸ باید در خانه را تا هفت روز ببندد.³⁹ روز هفتم کاهن برگردد و خانه را ملاحظه کند. اگر رگه‌ها در دیوار پخش شده باشند،⁴⁰ آنگاه کاهن دستور بدهد آن قسمت رگه‌دار دیوار را کنده، سنگهای آن را در جای ناپاکی خارج از شهر بیندازند.⁴¹ سپس دستور بدهد دیوارهای داخل خانه را بتراشند و خاک تراشیده شده را نیز در جای ناپاکی خارج از شهر بریزند.⁴² بعد باید سنگهای دیگری بیاورند و به جای سنگهایی که کنده شده کار بگذارند و با ملات تازه خانه را دوباره اندود کنند.

⁴³ «ولی اگر رگه‌ها دوباره نمایان شدند،⁴⁴ کاهن باید دوباره بیاید و نگاه کند، اگر دید که رگه‌ها پخش شده‌اند، بداند که جذام مسری است و خانه نجس می‌باشد.⁴⁵ آنگاه کاهن دستور دهد خانه را خراب کنند و تمام سنگها، تیرها و خاک آن را به خارج از شهر برده، در جای ناپاکی بریزند.⁴⁶ وقتی در خانه بسته است، اگر کسی داخل آن شود، تا غروب نجس خواهد بود.⁴⁷ هر که در آن خانه بخوابد یا چیزی بخورد، باید لباس خود را بشوید.

⁴⁸ «اما زمانی که کاهن دوباره برای ملاحظه خانه می‌آید، اگر ببیند که رگه‌ها دیگر پخش نشده‌اند، آنگاه اعلام کند که خانه طاهر است و جذام برطرف شده است.⁴⁹ سپس برای طهارت خانه، دستور دهد دو پرند، چند تکه چوب سرو، نخ قرمز و چند شاخه زوفا بیاورند.⁵⁰ یکی از پرندگان را روی آب روان در یک ظرف سفالین سر ببرد⁵¹ و چوب سرو و شاخه زوفا و نخ قرمز و پرندۀ زنده را بگیرد و در خون پرندۀ ای که سر بریده است و همچنین در آب روان فرو کند و هفت بار بر خانه پاشد.⁵² به این طریق خانه طاهر می‌شود.⁵³ سپس پرندۀ زنده را بیرون شهر در صحرا رها کند. این است روش تطهیر خانه.»

54 این است قوانین مربوط به بیماریهای پوستی، گری، 55 و کپک در لباس یا در خانه 56 و تاول یا آماس یا لک. 57 این روش نشان خواهد داد که چه وقت چیزی نجس است و چه وقت طاهر. این است قوانین بیماریهای پوستی و کپک.

15

ترشحاتی که تولید نجاست می کنند

2-1 خداوند به موسی و هارون فرمود: «این دستورها را به بنی اسرائیل بدهید: هرگاه بدن مردی ترشح غیرطبیعی داشته باشد، او نجس خواهد بود. 3 این مایع، چه از بدنش به بیرون ترشح کند و چه نکند، او را نجس می سازد. 4 هر رختخوابی که او در آن بخوابد و هر چیزی که روی آن بنشیند نجس خواهد شد. 5 هر کس به رختخواب او دست بزند، تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. 6 هر کس روی چیزی بنشیند که آن مرد هنگام آلودگی خود روی آن نشسته بود، تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. 7 هر کس به آن مرد دست بزند، باید همین دستورها را اجرا کند. 8 به هر کس آب دهان بپفکند، آن شخص تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. 9 روی هر زینی که بنشیند، آن زین نجس خواهد بود. 10 اگر کسی چیزی را که زیر این مرد بوده است بردارد یا به آن دست بزند، تا غروب نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. 11 اگر این مرد نجس بی آنکه اول دستهای خود را بشوید، به کسی دست بزند، آن شخص باید لباس خود را بشوید و غسل کند و تا غروب نجس خواهد بود. 12 اگر مرد نجس به یک ظرف سفالین دست بزند، آن ظرف باید شکسته شود؛ ولی اگر به ظرفی چوبی دست بزند آن ظرف را باید شست.

13 «وقتی ترشح او قطع شود، باید هفت روز صبر کند و بعد لباسهایش را بشوید و در آب روان غسل نماید تا طاهر شود. 14 روز هشتم باید دو

قری یا دو جوجه کبوتر دم در خیمه ملاقات به حضور خداوند بیاورد و آنها را به کاهن بدهد.¹⁵ کاهن باید یکی را برای قربانی نگاه و دیگری را برای قربانی سوختنی ذبح کند. به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن مرد به سبب ترشی که داشته است کفاره می‌نماید.

¹⁶ «هر وقت از مردی منی خارج شود باید خود را کاملاً بشوید؛ او تا غروب نجس خواهد بود.¹⁷ هر پارچه یا چرمی که منی روی آن ریخته باشد باید شسته شود و آن پارچه یا چرم تا غروب نجس خواهد بود.¹⁸ زن و مرد بعد از نزدیکی باید غسل کنند و تا غروب نجس خواهند بود.

¹⁹ «زن تا هفت روز بعد از عادت ماهانه اش نجس خواهد بود. در آن مدت هر کس به او دست بزند، تا غروب نجس خواهد شد،²⁰ و او روی هر چیزی بخوابد یا بنشیند، آن چیز نجس خواهد شد.²¹ اگر کسی به رختخواب آن زن دست بزند باید لباس خود را بشوید و در آب غسل کند، و او تا غروب نجس خواهد بود.²² اگر کسی به چیزی که آن زن روی آن نشسته است، دست بزند، باید لباس خود را بشوید و در آب غسل کند، و او تا غروب نجس خواهد بود.²³ پس خواه رختخواب باشد و خواه هر آنچه او بر آن می‌نشیند، چون کسی به آن دست بزند، تا غروب نجس خواهد بود.²⁴ مردی که در این مدت با او نزدیکی کند، تا هفت روز نجس خواهد بود و هر رختخوابی که او روی آن بخوابد نجس خواهد بود.

²⁵ «اگر خونریزی عادت ماهانه بیش از حد معمول جریان داشته باشد یا در طول ماه، بی‌موقع عادت ماهانه او شروع شود، همان دستوره‌های بالا باید اجرا گردد.²⁶ بنابراین در آن مدت او روی هر چیزی که بخوابد یا بنشیند، درست مثل دوره عادت ماهانه عادی نجس خواهد بود.²⁷ هر کس به رختخواب او یا به چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند نجس خواهد شد و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. او تا غروب نجس خواهد بود.²⁸ هفت روز بعد از تمام شدن عادت ماهانه،

او دیگر نجس نیست. ²⁹ روز هشتم باید دو قری یا دو جوجه کبوتر دم در خیمه ملاقات پیش کاهن بیاورد ³⁰ و کاهن یکی را برای قربانی نگاه و دیگری را برای قربانی سوختنی ذبح کند و در حضور خداوند برای نجاست عادت ماهانه آن زن کفاره نماید. ³¹ به این ترتیب قوم اسرائیل را از ناپاکی هایشان طاهر کنید مبدا به خاطر آلوده کردن خیمه ملاقات من که در میان ایشان است بمیرند.

³² «این است قوانین برای مردی که به سبب ترشح غیرطبیعی یا خارج شدن منی نجس شود، ³³ و همچنین برای دوره عادت ماهانه زن و در مورد هر شخصی است که با آن زن قبل از طهارت وی نزدیکی کند.»

16

روز کفاره

¹ پس از آنکه دو پسر هارون به علت سوزاندن بخور بر آتش غیر مجاز در حضور خداوند مردند، خداوند با موسی سخن گفته، ² فرمود: «به برادرت هارون بگو که غیر از وقت تعیین شده، در وقت دیگری به قدس الاقداس که پشت پرده است و صندوق عهد و تخت رحمت در آن قرار دارند داخل نشود، مبدا بمیرد؛ چون من در ابر بالای تخت رحمت حضور دارم. ³ شرایط داخل شدن او به آنجا از این قرار است: او باید یک گوساله برای قربانی نگاه و یک قوچ برای سوختنی بیاورد.»

⁴ سپس خداوند این قوانین را داد: قبل از آنکه هارون به قدس الاقداس داخل شود، باید غسل نموده، لباسهای مخصوص کاهنی را بپوشد، یعنی پیراهن مقدس گنّی، لباس زیر از جنس گنّ، کمر بند گنّی و دستار گنّی. ⁵ آنگاه قوم اسرائیل دو بز نر برای قربانی نگاهشان و یک قوچ برای قربانی سوختنی نزد او بیاورند. ⁶ هارون باید اول گوساله را به عنوان قربانی نگاه خودش به حضور خداوند تقدیم کند و برای خود و خانواده اش کفاره نماید. ⁷ سپس دو بز نر را دم در خیمه ملاقات به

حضور خداوند بیاورد. ⁸ او باید یک بز را برای خداوند ذبح کند و دیگری را در بیابان رها سازد. ولی برای این کار لازم است اول قرعه بیندارد. ⁹ آنگاه بزی را که به قید قرعه برای خداوند تعیین شده، به عنوان قربانی گاه ذبح کند ¹⁰ و بز دیگر را زنده به حضور خداوند آورد و سپس به بیابان بفرستد تا گاه قوم اسرائیل را با خود ببرد.

¹¹ پس از اینکه هارون گوساله را به عنوان قربانی گاه برای خود و خانواده‌اش ذبح کرد، ¹² آتشدانی پر از زغالهای مشتعل از مذبح حضور خداوند برداشته، آن را با دو مشت بجزر خوشبوی کوبیده شده به قدس الاقداس بیاورد ¹³ و در حضور خداوند، بجزر را روی آتش بریزد تا آبری از بجزر، تخت رحمت روی صندوق عهد را بپوشاند. بدین ترتیب او نخواهد مرد. ¹⁴ هارون مقداری از خون گوساله را آورده، با انگشت خود آن را یک مرتبه بر قسمت جلوی تخت رحمت، سپس هفت مرتبه جلوی آن روی زمین پاشد.

¹⁵ پس از آن، او باید بیرون برود و بز قربانی گاه قوم را ذبح کند و خون آن را به قدس الاقداس بیاورد و مانند خون گوساله بر تخت رحمت و جلوی آن پاشد. ¹⁶ به این ترتیب برای قدس الاقداس که به سبب گاهان قوم اسرائیل آلوده شده و برای خیمه ملاقات که در میان قوم واقع است و با آلودگی‌های ایشان احاطه شده، کفاره خواهد کرد. ¹⁷ از زمانی که هارون برای کفاره کردن وارد قدس الاقداس می‌شود تا وقتی که از آنجا بیرون می‌آید هیچ کس نباید در داخل خیمه ملاقات باشد. هارون پس از اینکه مراسم کفاره را برای خود و خانواده‌اش و قوم اسرائیل بجا آورد، ¹⁸ باید در حضور خداوند به طرف مذبح برود و برای آن کفاره کند. او باید خون گوساله و خون بز را بر شاخهای مذبح بمالد ¹⁹ و با انگشت خود هفت بار خون را بر مذبح پاشد، و به این ترتیب آن را از آلودگی گاهان بنی اسرائیل پاک نموده، تقدیس کند.

20 وقتی هارون مراسم کفاره را برای قدس الاقداس، خیمه ملاقات و مذبح به انجام رسانید، بزنده را بیاورد²¹ و هر دو دست خود را روی سر حیوان قرار داده، تمام گاهان و تقصیرات قوم اسرائیل را اعتراف کند و آنها را بر سر بز قرار دهد. سپس بز را به دست مردی که برای این کار انتخاب شده است بدهد تا آن را به بیابان برده در آنجا رهایش سازد. 22 بدین ترتیب آن بز تمام گاهان بنی اسرائیل را به سرزمینی که کسی در آنجا سکونت ندارد می برد.

23 پس از آن، هارون بار دیگر باید داخل خیمه ملاقات شده لباسهای گنّانی را که هنگام رفتن به قدس الاقداس پوشیده بود از تن بیرون بیاورد و آنها را در خیمه ملاقات بگذارد. 24 آنگاه در مکان مقدّسی غسل نموده، دوباره لباسهایش را بپوشد و بیرون رفته، قربانی سوختنی خود و قربانی سوختنی بنی اسرائیل را تقدیم کند و به این ترتیب برای خود و بنی اسرائیل کفاره کند. 25 او باید چربی قربانی گناه را هم بر مذبح بسوزاند.

26 مردی که بز را به بیابان برده است، باید لباس خود را بشوید و غسل کند و بعد به اردوگاه بازگردد. 27 گوساله و بزی که به عنوان قربانی گناه ذبح شدند و هارون خون آنها را به داخل قدس الاقداس برد تا کفاره کند، باید از اردوگاه بیرون برده شوند و پوست و گوشت و فضلّه آنها سوزانده شود. 28 سپس شخصی که آنها را سوزانده، لباس خود را بشوید و غسل کند و بعد به اردوگاه بازگردد.

29 این قوانین را همیشه باید اجرا کنید: در روز دهم ماه هفتم نباید کار بکنید، بلکه آن روز را در روزه بگذرانید. این قانون باید هم به وسیله قوم اسرائیل و هم به وسیله غریبانی که در میان قوم اسرائیل ساکن هستند رعایت گردد، 30 چون در آن روز، مراسم کفاره برای آمرزش گاهان انجام خواهد شد تا قوم در نظر خداوند طاهر باشند. 31 این روز برای شما مقدّس است و نباید در این روز کار کنید بلکه باید در روزه به سر

بریده. این قوانین را همیشه باید اجرا کنید.³² این مراسم در نسلهای آینده به وسیله کاهن اعظمی که به جای جد خود هارون برای کار کاهنی تقدیس شده، انجام خواهد شد. او باید لباسهای مقدس کتانی را بپوشد،³³ و برای قدس الاقداس، خیمه ملاقات، مذبح، کاهنان و قوم اسرائیل کفاره کند.³⁴ شما باید سالی یک مرتبه برای گاهان قوم اسرائیل کفاره کنید و این برای شما یک قانون همیشگی است. هارون تمام دستورهایی را که خداوند به موسی داد بجا آورد.

17

خون حیوانات

¹ خداوند به موسی فرمود: ² «این دستورها را به هارون و پسرانش و به تمام بنی اسرائیل بده. این است آنچه خداوند فرموده است: ³ هر اسرائیلی که گاو یا گوسفند یا بز را در جایی دیگر غیر از داخل یا خارج اردوگاه ذبح کند، ⁴ بجای اینکه آن را کنار در خیمه ملاقات بیاورد تا به عنوان هدیه به خداوند تقدیم کند، آن شخص خون ریخته و مجرم است و باید از میان قوم خود منقطع شود. ⁵ هدف از این قانون این است که قوم اسرائیل دیگر در صحرا قربانی نکنند. قوم باید قربانیهای خود را دم در خیمه ملاقات پیش کاهن بیاورند و آنها را به عنوان قربانی سلامتی به خداوند تقدیم کنند. ⁶ سپس کاهن خون آنها را بر مذبح خداوند که دم در خیمه ملاقات است بپاشد و چربی آنها را همچون عطر خوشبویی که مورد پسند خداوند است بسوزاند. ⁷ قوم اسرائیل دیگر نباید در صحرا برای ارواح شریر قربانی کنند و به خداوند خیانت ورزند. این برای شما قانونی است همیشگی که باید نسل اندر نسل بجا آورده شود. ⁸ «پس به آنها بگو: هرگاه یک اسرائیلی یا غریبی که در میان قوم ساکن است قربانی سوختنی یا قربانیهای دیگر تقدیم کند، ⁹ اما آن را در

جایی غیر از دم در خیمه ملاقات برای خداوند قربانی کند، آن شخص باید از میان قوم منقطع شود.

¹⁰ «هر کس خون بخورد، چه اسرائیلی باشد، چه غریبی که در میان شما ساکن است، روی خود را از او برگردانده او را از میان قوم منقطع خواهیم کرد،¹¹ زیرا جان هر موجودی در خون اوست و من خون را به شما داده‌ام تا برای کفاره جانیهای خود، آن را بر روی مذبح پاشید. خون است که برای جان کفاره می‌کند.¹² به همین دلیل است که به قوم اسرائیل حکم می‌کنم که نه خودشان خون بخورند و نه غریبی که در میان ایشان ساکن است.¹³ هر کس به شکار برود، خواه اسرائیلی باشد خواه غریبی که در میان شماست و حیوان یا پرنده حلال گوشتی را شکار کند، باید خونس را بریزد و روی آن را با خاک پپوشاند،¹⁴ زیرا جان هر موجودی در خون اوست. به همین دلیل است که به قوم اسرائیل گفتم که هرگز خون نخورند، زیرا حیات هر موجود زنده‌ای در خون آن است. پس هر کس خون بخورد باید از میان قوم اسرائیل منقطع شود.¹⁵ «هر اسرائیلی یا غریبی که گوشت حیوان مرده یا دریده شده‌ای را بخورد، باید لباس خود را بشوید و غسل کند. او بعد از غروب طاهر خواهد بود.¹⁶ ولی اگر لباسهایش را نشوید و غسل نکند مجرم خواهد بود.»

18

روابط جنسی نامشروع

¹ سپس خداوند به موسی فرمود: ² «این دستورها را به بنی اسرائیل بده: من یهوه خدای شما هستم.³ پس مانند بت پرستان رفتار نکنید یعنی مانند مصری‌هایی که در کشورشان زندگی می‌کردید و یا مانند کنعانی‌هایی که می‌خواهم شما را به سرزمینشان ببرم.⁴ شما باید از دستورهای من پیروی کنید و قوانین مرا نگاه دارید و آنها را بجا آورید، چون من یهوه، خدای

شما هستم.⁵ پس دستورها و قوانین مرا نگاه دارید، زیرا از طریق اطاعت از احکام شریعت است که شخص از حیات برخوردار می‌شود. من یهوه هستم.

⁶ «هیچ کس از شما نباید با محارم خود همبستر شود. من یهوه هستم.
⁷ با مادر خود همبستر نشو، زیرا با این کار به او و به پدرت بی‌احترامی می‌کنی.
⁸ با هیچ کدام از زنان پدرت همبستر نشو، چون با این کار به پدرت بی‌احترامی می‌کنی.
⁹ همچنین با خواهرت یا با خواهر ناتنی خود، چه دختر پدرت باشد چه دختر مادرت، چه در همان خانه به دنیا آمده باشد چه در جای دیگر، همبستر نشو.

¹⁰ «با دختر پسر یا دختر دخترت همبستر نشو، چون با این کار خود را رسوا می‌کنی.
¹¹ با دختر زن پدرت همبستر نشو، چون او خواهر ناتنی توست.
¹² با عمه خود همبستر نشو، چون از بستگان نزدیک پدرت می‌باشند.
¹³ با خاله خود همبستر نشو، چون از بستگان نزدیک مادرت است.
¹⁴ با زن عموی خود همبستر نشو، چون او مثل عمه توست.
¹⁵ «با عروس خود همبستر نشو، چون زن پسر توست.
¹⁶ با زن برادرت همبستر نشو، چون با این کار به برادرت بی‌احترامی می‌کنی.
¹⁷ با یک زن و دختر او یا نوه‌اش همبستر نشو، چون آنها بستگان نزدیک هم‌دیگرند و این عمل قبیحی است.
¹⁸ مادامی که زنت زنده است نباید خواهر او را هم به زنی بگیری و با او همبستر شوی.

¹⁹ «با زنی به هنگام عادت ماهانه‌اش همبستر نشو.
²⁰ با زنی که همسر مرد دیگری است همبستر نشو و خود را با او نجس نساز.
²¹ «هیچ کدام از فرزندان خود را به بت مولک هدیه نکن و آنها را بر مذهب آن نسوزان زیرا با این کار نام خداوند، خدای خود را بی‌حرمت خواهی کرد.

²² «هیچ مردی نباید با مرد دیگری نزدیکی کند، چون این عمل، بسیار قبیح است.
²³ هیچ مرد یا زنی نباید با هیچ حیوانی نزدیکی کند و با این

کار خود را نجس سازد. این عمل، بسیار قبیح است.
 24 «با این کارها خود را نجس نسازید، چون این اعمالی است که بت پرستها انجام می دهند و به خاطر این کارهاست که می خواهم آنان را از سرزمینی که شما داخل آن می شوید بیرون کنم. 25 تمامی آن سرزمین با این نوع اعمال، نجس شده است. به همین دلیل است که مردمانی را که در آنجا ساکنند مجازات می کنم، و سرزمینشان آنها را قی می کند. 26 شما باید از تمام قوانین و دستورهای من اطاعت کنید و هیچ کدام از این اعمال قبیح را انجام ندهید. این قوانین هم شامل شما می شود و هم شامل غریبانی که در میان شما ساکنند.

27 «آری، تمامی این اعمال قبیح به وسیلهٔ مردمان سرزمینی که می خواهم شما را به آنجا ببرم به عمل آمده و آن سرزمین را نجس کرده است. 28 شما این اعمال را انجام ندهید و گرنه شما را نیز مثل اقوامی که اکنون در آنجا ساکنند از آن سرزمین بیرون خواهم راند. 29 هر کس مرتکب یکی از این اعمال قبیح گردد، از میان قوم منقطع خواهد شد. 30 پس احکام مرا اطاعت کنید و هیچ یک از این عادات زشت را انجام ندهید. خود را با این اعمال قبیح نجس نکنید زیرا من یهوه، خدای شما هستم.»

19

قوانین گوناگون

1 خداوند به موسی فرمود: 2 «این دستورها را به تمامی جماعت اسرائیل بده. مقدس باشید زیرا من یهوه، خدای شما قدوسم. 3 هر یک از شما باید به مادر و پدر خود احترام بگذارد و قانون روز شبات مرا اطاعت کند. من یهوه، خدای شما هستم. 4 بت نسازید و بتها را پرستش نکنید. من یهوه، خدای شما هستم.»

5 «وقتی که قربانی سلامتی به حضور خداوند تقدیم می کنید آن را طوری هدیه کنید که مورد قبول واقع شوید. 6 گوشتش را در همان روزی که آن را ذبح می کنید و یا روز بعد بخورید. هر چه را که تا روز سوم باقی مانده، بسوزانید، 7 زیرا نجس است و اگر کسی آن را بخورد من آن قربانی را قبول نخواهم کرد. 8 اگر در روز سوم از آن بخورید مقصرید، چون به قدوسیت خداوند بی احترامی کرده اید و باید از میان قوم منقطع شوید.

9 «وقتی که محصول خود را درو می کنید، گوشه و کنار مزرعه های خود را درو نکنید و خوشه های گندم به جا مانده را برنچینید. 10 در مورد حاصل انگور خود نیز همین طور عمل کنید خوشه ها و دانه های انگوری را که بر زمین می افتد، جمع نکنید. آنها را برای فقرا و غریبان بگذارید. من یهوه، خدای شما هستم.

11 «دزدی نکنید، دروغ نگویند و کسی را فریب ندهید. 12 به نام من قسم دروغ نخورید و به این ترتیب نام مرا بی حرمت نکنید. من یهوه هستم.

13 «مال کسی را غصب نکن و به کسی ظلم نما و مزد کارگران خود را به موقع پرداز.

14 «شخصی که را نفرین نکن و جلوی پای کور سنگ نیانداز. از خدای خود بترس؛ من یهوه هستم.

15 «هنگام داوری، از فقیر طرفداری بیجا نکن و از ثروتمند ترسی نداشته باش، بلکه همیشه منصفانه داوری کن.

16 «سخن چینی نکن و با پخش خبر دروغ باعث نشو کسی به مرگ محکوم شود. من یهوه هستم.

17 «از برادرت کینه به دل نگیر. همسایهات را رو در رو توینخ کن مبادا به سبب نگاه او تو هم شریک جرم محسوب شوی. 18 از افراد قوم خود انتقام نگیر و از آنان کینه به دل راه نده، بلکه همسایهات را همچون جان خویش دوست بدار. من یهوه هستم.»

19 «از قوانین من اطاعت کنید. حیوانات اهلی خود را به جفتگیری با حیوانات غیر همجنسشان وادار نکنید. در مزرعه خود دو نوع بذر نکارید و لباسی را که از دو جنس مختلف بافته شده نپوشید.»

20 «اگر مردی با کنیزی که نامزد شخص دیگری است همبستر شود و آن کنیز هنوز بازخرید و آزاد نشده باشد، ایشان را نباید کشت بلکه باید تنبیه کرد، چون کنیز آزاد نبوده است. 21 مردی که آن دختر را فریب داده، باید به عنوان قربانی جبران خود قوچی را دم در خیمه ملاقات به حضور خداوند بیاورد. 22 کاهن باید با این قوچ برای نگاه آن مرد نزد خداوند کفاره کند و به این ترتیب نگاهش بخشیده خواهد شد.»

23 «وقتی به سرزمین موعود داخل شدید و انواع درختان میوه در آنجا کاشتید، سه سال از محصول آن نخورید، چون نجس به حساب می آید. 24 در سال چهارم، تمامی محصول به عنوان ستایش و تشکر از خداوند، به او وقف خواهد شد. 25 اما در سال پنجم می توانید محصول را برای خود بردارید. اگر این قانون را رعایت کنید، درختان شما پرثمر خواهند بود. من یهوه، خدای شما هستم.»

26 «گوشتی را که هنوز خون در آن است نخورید. فالگیری و جادوگری نکنید. 27 مثل بت پرستها موهای شقیقه خود را تراشید و گوشه های ریش خود را نچینید. 28 هنگام عزاداری برای مردگان خود مثل بت پرستان بدن خود را زخمی نکنید و مانند آنها روی بدن خود خالکوبی ننمایید. من یهوه هستم.»

29 «حرمت دخترتان را با وادار کردن او به فاحشگی از بین نبرید مبادا سرزمین شما از شرارت و زنا پر شود.
30 «قانون روز شَبّات مرا اطاعت کنید و خیمهٔ ملاقات مرا محترم بدارید، زیرا من یهوه هستم.

31 «به جادوگران و احضارکنندگان ارواح متوسل نشوید و با این کار خود را نجس نکنید. من یهوه، خدای شما هستم.

32 «جلوی پای ریش سفیدان بلند شوید، به پیرمردان احترام بگذارید و از من بترسید. من یهوه، خدای شما هستم. 33 با غریبانی که در سرزمینتان زندگی می کنند بدرفتاری نکنید. 34 با آنها مانند یک اسرائیلی بومی رفتار کنید، و آنها را همچون خویشان محبت کنید، زیرا نباید از یاد ببرید که خودتان نیز در سرزمین مصر غریب و بیگانه بودید. من یهوه، خدای شما هستم.

35 «در اندازه گیری طول و وزن و حجم، تقلب نکنید. 36 ترازو، وزنه ها، ظرفهای اندازه گیری جامدات و مایعات درست داشته باشید. من یهوه، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم. 37 از احکام و فرایض من به دقت اطاعت و پیروی کنید. من یهوه هستم.»

20

سزای گاهان

1 خداوند به موسی فرمود: 2 «این دستورها را به بنی اسرائیل بده: هر کسی، چه اسرائیلی باشد چه غریبی که در میان شما ساکن است، اگر فرزند خود را برای بت مولک قربانی کند، قوم اسرائیل باید او را سنگسار کنند. 3 من خود بر ضد او برمی خیزم و او را از میان قوم اسرائیل منقطع کرده به سزای اعمالش خواهم رساند، زیرا فرزند خود را برای مولک قربانی کرده و بدین وسیله خیمهٔ ملاقات مرا نجس نموده و نام مقدّس

مرا بی حرمت ساخته است. ⁴ اگر اهالی محل وانمود کنند که از کاری که آن مرد کرده، بی خبرند و نخواهند او را بکشند، ⁵ آنگاه من بر ضد او و خانواده اش برمی خیزم و او را با تمامی اشخاص دیگری که از مولک پیروی نموده، به من خیانت ورزیده اند منقطع می کنم و به سزای اعمالشان می رسانم.

⁶ «اگر کسی به جادوگران و احضارکنندگان ارواح متوسل شده، با این عمل به من خیانت ورزد من بر ضد او برمی خیزم و او را از میان قوم خود منقطع کرده، به سزای اعمالش می رسانم. ⁷ پس خود را تقدیس نمایند و مقدس باشید، چون من خداوند، خدای شما هستم. ⁸ از فرامین من که خداوند هستم و شما را تقدیس می کنم، اطاعت کنید.

⁹ «کسی که پدر یا مادرش را نفرین کند، باید کشته شود؛ و خویش بر گردن خودش خواهد بود.

¹⁰ «اگر فردی با همسر شخص دیگری زنا کند، مرد و زن هر دو باید کشته شوند. ¹¹ اگر مردی با زن پدر خود همبستر شود به پدر خود بی احترامی کرده است، پس آن مرد و زن هر دو باید کشته شوند؛ و خویشان به گردن خودشان می باشد. ¹² اگر مردی با عروس خود همبستر شود، هر دو باید کشته بشوند، زیرا زنا کرده اند؛ و خویشان به گردن خودشان می باشد. ¹³ اگر دو مرد با هم نزدیکی کنند، عمل قبیحی انجام داده اند و باید کشته شوند؛ و خویشان به گردن خودشان می باشد. ¹⁴ اگر مردی با زنی و با مادر آن زن نزدیکی کند، گناه بزرگی کرده است و هر سه باید زنده زنده سوزانده شوند تا این لکه ننگ از دامن شما پاک شود.

¹⁵ «اگر مردی با حیوانی نزدیکی کند، آن مرد و آن حیوان باید کشته شوند. ¹⁶ اگر زنی با حیوانی نزدیکی کند، آن زن و حیوان باید کشته شوند؛ و خویشان به گردن خودشان می باشد.

17 «اگر مردی با خواهر خود ازدواج کند و با او همبستر شود، خواه دختر پدرش باشد، خواه دختر مادرش، عمل شرم‌آوری کرده است و هر دو باید در پیش چشمان مردم از میان قوم منقطع شوند و آن مرد باید به سزای گناه خود برسد، زیرا خواهر خود را بی‌عصمت کرده است. 18 اگر مردی با زنی به هنگام عادت ماهانه‌اش همبستر شود، هر دو نفر باید از میان قوم اسرائیل منقطع شوند، زیرا مقررات مربوط به طهارت را رعایت نکرده‌اند.

19 «اگر مردی با خاله یا عمه خود همبستر شود، هر دو آنها باید به سزای گناه خود برسند، زیرا بستگان نزدیک یکدیگرند. 20 اگر مردی با زن عمومی خود همبستر شود، به عمومی خود بی‌احترامی کرده است. آنها به سزای گناه خود خواهند رسید و بی‌اولاد خواهند مرد. 21 اگر مردی زن برادر خود را به زنی بگیرد، کار قبیحی کرده است، زیرا نسبت به برادرش بی‌احترامی نموده است. هر دو ایشان بی‌اولاد خواهند مرد. 22 «باید از تمامی قوانین و دستورهای من اطاعت کنید تا شما را از سرزمین جدیدتان بیرون نکنم. 23 از رسوم مردمی که از پیش شما می‌رانم پیروی نکنید چون ایشان همه اعمالی را که من شما را از آنها برحذر ساخته‌ام انجام می‌دهند و به همین دلیل است که از آنها نفرت دارم. 24 قول داده‌ام سرزمینشان را به شما بدهم تا آن را به تصرف خود درآورده، مالک آن باشید. آنجا سرزمینی است که شیر و عسل در آن جاری است. من خداوند، خدای شما هستم که شما را از قومهای دیگر جدا کرده‌ام.

25 «بین پرندگان و حیواناتی که گوشت آنها برای شما حلال است و آنهایی که حرام است فرق بگذارید. با خوردن گوشت پرندگان یا حیواناتی که خوردن آنها را برای شما حرام کرده‌ام خود را آلوده نکنید. 26 برای من مقدّس باشید، زیرا من که خداوند هستم مقدّس می‌باشم و شما را از سایر اقوام جدا ساخته‌ام تا از آن من باشید.

27 «احضارکننده روح یا جادوگر، چه مرد باشد چه زن، باید سنگسار شود. خون او بر گردن خودش است.»

21

تقدس کاهنان

1 خداوند به موسی فرمود: «این دستورها را به کاهنان که از نسل هارون هستند بده. یک کاهن نباید با دست زدن به شخص مرده خودش را نجس کند،² مگر اینکه مرده از بستگان نزدیک او باشد، مثل: مادر، پدر، پسر، دختر، برادر³ یا خواهر باکره اش که تحت سرپرستی او بوده است.⁴ اما کاهن نباید به خاطر افرادی که از بستگانش نیستند، خود را نجس سازد.

5 «کاهنان نباید موی سر یا گوشه های ریش خود را بتراشند و یا بدن خود را زخمی کنند.⁶ ایشان باید برای خدای خود مقدس باشند و به نام خدای خویش بی احترامی نکنند. آنها برای خداوند هدایای خوراکی بر آتش تقدیم می کنند، پس باید مقدس باشند.⁷ کاهن نباید با یک فاحشه که خود را بی عصمت کرده و یا با زنی که طلاق گرفته، ازدواج کند؛ چون او برای خدای خویش مقدس است.⁸ کاهنان را مقدس بشمارید زیرا ایشان هدایای خوراکی به من تقدیم می کنند، و من که خداوند هستم و شما را تقدیس می کنم، مقدس می باشم.⁹ اگر دختر کاهنی فاحشه شود به تقدس پدرش لطمه می زند و باید زنده زنده سوزانده شود.

10 «کاهن اعظم که با روغن مخصوص، مسح و تقدیس شده و لباسهای مخصوص کاهنی را می پوشد، نباید هنگام عزاداری موی سر خود را باز کند یا گریبان لباس خود را چاک بزند.¹¹ او نباید با نزدیک شدن به هیچ جنازه ای خود را نجس سازد، حتی اگر شخص مرده پدر یا مادرش باشد.¹² او نباید با خارج شدن از قدس خدا به جهت وارد

شدن به خانه‌ای که جنازه‌ای در آن هست، قدس را بی‌حرمت سازد، زیرا تبرک روغن مسح من که یهوه هستم بر سر اوست. ¹³ او باید فقط با یک باکره ازدواج کند. ¹⁴ او نباید با زن بیوه یا طلاق داده شده یا زنی که با فاحشه شدن خود را بی‌عصمت کرده است ازدواج کند، بلکه باید دختر باکره‌ای از قوم خود را به زنی بگیرد، ¹⁵ تا باعث بدنامی نسل خود در میان قومش نشود، زیرا من که یهوه هستم او را برای کاهنی تقدیس کرده‌ام.»

¹⁶ خداوند به موسی فرمود: ¹⁷ «این دستورها را به هارون بده. در نسلهای آینده هر کدام از فرزندان که عضوی از بدنش ناقص باشد نباید هدایای خوراکی را به حضور من تقدیم کند. ¹⁸ کسی که نقصی در صورت داشته باشد و یا کور، شل، ناقص الخلقه، ¹⁹ دست یا پا شکسته، ²⁰ گوشت یا کوتوله باشد، چشم معیوب یا مرض پوستی داشته یا بیضه‌هایش آسیب دیده باشد، ²¹ به سبب نقص جسمی اش اجازه ندارد هدایای خوراکی را که بر آتش به خداوند تقدیم می‌شود، تقدیم کند. ²² با وجود این باید از خوراک کاهنان که از هدایای تقدیمی به خداوند است به او غذا داده شود هم از هدایای مقدس و هم از مقدس‌ترین هدایا. ²³ ولی او نباید به پرده مقدس خیمه ملاقات یا به مذبح نزدیک شود چون نقص بدنی دارد و این عمل او خیمه ملاقات مرا بی‌حرمت می‌کند، زیرا من که خداوند هستم آن را تقدیس کرده‌ام.»

²⁴ موسی این دستورها را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل داد.

22

تقدیس قربانیا و هدایا

¹ خداوند به موسی فرمود: ² «به هارون و پسرانش بگو که حرمت قربانیا و هدایای مقدسی را که قوم به من وقف می‌کنند، نگه دارند و

نام مقدّس مرا بی حرمت نسازند، زیرا من یهوه هستم.³ این دستورها را به آنها بده. در نسلهای شما اگر یک کاهن در حالی که نجس است به این هدایای مقدّسی که بنی اسرائیل به خداوند وقف کرده نزدیک شود، او باید از مقام کاهنی برکنار شود، زیرا من یهوه هستم.

4 «کاهنی که جذام داشته باشد یا از بدنش مایع ترشح شود، تا وقتی که طاهر نشده، حق ندارد از قربانیهای مقدّس بخورد. هر کاهنی که به جنازه‌ای دست بزند یا در اثر خروج منی نجس گردد،⁵ و یا حیوان یا شخصی را که نجس است لمس کند،⁶ آن کاهن تا عصر نجس خواهد بود، و تا هنگام غروب که غسل می کند نباید از قربانیهای مقدّس بخورد.⁷ وقتی که آفتاب غروب کرد، او دوباره طاهر می شود و می تواند از خوراک مقدّس بخورد، چون خوراک او همین است.⁸ کاهن نباید گوشت حیوان مرده یا حیوانی را که جانوران وحشی آن را دریده باشند بخورد، چون این عمل او را نجس می کند. من یهوه هستم.⁹ کاهنان باید با دقت از این دستورها اطاعت کنند، مبادا به سبب سرپیچی از این قوانین به آن بی حرمتی کرده، مجرم شوند و در نتیجه بمیرند. من که یهوه هستم ایشان را تقدیس کرده‌ام.

10 «هیچ کس غیر از کاهنان نباید از قربانیهای مقدّس بخورد. میهمان یا خدمتکار کاهن که از او مزد می گیرد نیز نباید از این خوراک بخورد.¹¹ ولی اگر کاهن با پول خود غلامی بخرد، آن غلام می تواند از قربانیهای مقدّس بخورد. فرزندان غلام یا کنیزی نیز که در خانه او به دنیا بیایند می توانند از آن بخورند.¹² اگر دختری یکی از کاهنان با شخصی که کاهن نیست ازدواج کند، نباید از هدایای مقدّس بخورد؛¹³ ولی اگر بیوه شده یا طلاق گرفته باشد و فرزندی هم نداشته باشد که از او نگهداری کند و به خانه پدرش بازگشته باشد، می تواند مانند سابق از خوراک

پدرش بخورد. پس کسی که از خانوادهٔ کاهنان نیست، حق ندارد از این خوراک بخورد.

¹⁴ «اگر کسی ندانسته از قربانیهای مقدّس بخورد، باید همان مقدار را به اضافهٔ یک پنجم به کاهن بازگرداند.» ¹⁵ کاهنان نباید نسبت به قربانیهای مقدّس که بنی اسرائیل به خداوند وقف می کنند بی حرمتی روا دارند، ¹⁶ و با خوردن قربانیهای مقدّس ایشان، سبب شوند که آنها مجرم گردند، زیرا من یهوه هستم که آنها را تقدیس کرده‌ام.»

¹⁷ خداوند به موسی فرمود: ¹⁸ «این دستورها را به هارون و پسرانش و تمامی قوم اسرائیل بده: اگر یک نفر اسرائیلی یا غریبی که در میان شما ساکن است، به خداوند هدیه‌ای برای قربانی سوختنی تقدیم کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه، ¹⁹ فقط به شرطی مورد قبول خداوند خواهد بود که آن حیوان، گاو یا گوسفند یا بز، نر و بی عیب باشد. ²⁰ حیوانی که نقصی داشته باشد نباید تقدیم شود، چون مورد قبول خداوند نمی باشد. ²¹ وقتی کسی از رمه یا گلّهٔ خود حیوانی را به عنوان قربانی سلامتی به خداوند تقدیم می کند، خواه نذری باشد خواه داوطلبانه، آن حیوان باید سالم و بی عیب باشد و گرنه مورد قبول خداوند واقع نمی شود. ²² حیوان کور، شل یا مجروح و یا حیوانی که بدنش پر از زخم است و یا مبتلا به گری یا آبله می باشد، نباید به خداوند هدیه شود. این نوع هدیه را بر آتش مذبح به خداوند تقدیم نکنید. ²³ اگر گاو یا گوسفندی که تقدیم خداوند می شود عضویش از حد بلند یا کوتاه داشته باشد، آن را به عنوان قربانی داوطلبانه می توان ذبح کرد ولی نه به عنوان نذر. ²⁴ حیوانی را که بیضه اش نقص داشته باشد یعنی کوفته یا بریده باشد هرگز نباید در سرزمین خود برای خداوند قربانی کنید. ²⁵ این محدودیت، هم شامل قربانیهای غریبانی است که در میان شما ساکنند و هم قربانیهای خود شما، چون هیچ حیوان معیوبی برای قربانی پذیرفته نمی شود.»

26 خداوند به موسی فرمود: 27 «وقتی گاو یا گوسفند یا بز زاییده شود باید تا هفت روز پیش مادرش بماند ولی از روز هشتم به بعد می‌توان آن را بر آتش برای خداوند قربانی کرد. 28 گاو یا گوسفند را با نوزادش در یک روز سر نبرید. 29 وقتی که قربانی شکرگزاری به من که خداوند هستم تقدیم می‌کنید، باید طبق قوانین عمل کنید تا مورد قبول من واقع شوید. 30 در همان روز تمام گوشت حیوان قربانی شده را بخورید و چیزی از آن را برای روز بعد باقی نگذارید. من یهوه هستم.

31 «شما باید تمام فرمانهای مرا به جا آورید، چون من یهوه هستم. 32 نام مقدس مرا بی‌حرمت نکنید، زیرا من در میان بنی اسرائیل قدوسیت خود را ظاهر می‌سازم. من یهوه هستم که شما را تقدیس می‌کنم. 33 این من بودم که شما را از سرزمین مصر نجات دادم تا خدای شما باشم. من یهوه هستم.»

23

1 خداوند به موسی فرمود: 2 «این دستورها را به بنی اسرائیل بده. برای برگزاری این اعیاد، تمام قوم باید برای عبادت خداوند جمع شوند. 3 در روز شَبَّات نیز که هفتمین روز هفته می‌باشد، قوم باید برای عبادت خداوند جمع شوند. در هر جا که ساکن باشند باید در این روز دست از کار کشیده، استراحت کنند.)

عید پَسَح و عید نان فطیر

4 «اعیاد خداوند، یعنی محفلهای مقدس که باید هر سال جشن گرفته شوند از این قرارند:

5 «در غروب روز چهاردهم اولین ماه هر سال مراسم عید پَسَح را به احترام خداوند بجا آورید. 6 از روز پانزدهم همان ماه، عید فطیر برای خداوند آغاز می‌شود و تا هفت روز باید فقط نان بدون خمیرمایه خورده

شود. ⁷ در روز اول این عید برای عبادت جمع شوید و از همه کارهای معمول خود دست بکشید. ⁸ هفت روز هدایای سوختنی به خداوند تقدیم نمایید و در روز هفتم نیز از کارهای معمول خود دست کشیده برای عبادت جمع شوید.»

عید نوبر محصولات

⁹ خداوند به موسی فرمود: ¹⁰ «این دستورها را به بنی اسرائیل بده: وقتی به سرزمینی که من به شما می‌دهم داخل شدید و اولین محصول خود را درو کردید، بافه‌ای از نوبر محصول خود را نزد کاهن بیاورید. ¹¹ فردای روز شبات، کاهن بافه را در حضور خداوند تکان دهد تا خداوند شما را پذیرد. ¹² همان روز یک بره یک ساله سالم و بی‌عیب به عنوان قربانی سوختنی به خداوند تقدیم کنید. ¹³ برای هدیه آردی آن، دو کلو آرد مرغوب مخلوط با روغن زیتون آورده، بر آتش به خداوند تقدیم کنید. این هدیه، هدیه‌ای مخصوص و خوشبو برای خداوند خواهد بود. یک لیتر شراب هم به عنوان هدیه نوشیدنی تقدیم نمایید. ¹⁴ تا این هدایا را به خدایان تقدیم نکرده‌اید، نباید نان یا حبوبات تازه یا برشته بخورید. این قانونی است همیشگی برای تمام نسلهای شما در هر جایی که زندگی کنید. ¹⁵ «هفت هفته بعد از روزی که اولین بافه خود را به من تقدیم کردید، ¹⁶ یعنی در روز پنجاهم که روز بعد از هفتمین شبات است هدیه دیگری از محصول تازه خود به حضور خداوند بیاورید. ¹⁷ هر خانواده‌ای دو قرص نان که از دو کلو آرد مرغوب همراه با خمیرمایه پخته شده باشد، بیاورد تا در حضور خداوند تکان داده شود و به عنوان هدیه‌ای از آخرین برداشت محصول به من تقدیم شود.* ¹⁸ همراه با این نانها، هفت بره یک ساله بی‌عیب، یک گوساله و دو قوچ به عنوان قربانی سوختنی با هدایای آردی و نوشیدنی آنها به خداوند تقدیم کنید. این هدایا، هدایای مخصوص

* 23:17 1723: در اصل: «تا نوبر برای خداوند باشد.»

و خوشبو برای خداوند خواهند بود. ¹⁹ همچنین یک بز نر به عنوان قربانی گناه و دو بره نریک ساله به عنوان قربانی سلامتی ذبح کنید.

²⁰ «کاهن، این دو بره ذبح شده را با نانهای پخته شده از آخرین برداشت محصول شما به عنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان دهد. این هدایا برای خداوند مقدسند و باید برای خوراک به کاهنان داده شوند. ²¹ در آن روز اعلان شود که مردم از کارهای معمول خود دست کشیده، برای عبادت جمع شوند. این قانونی است همیشگی برای نسلهای شما در هر جا که باشید.

²² «وقتی که محصولات خود را درومی کنید، گوشه‌های مزرعه خود را تماماً درو نکنید و خوشه‌های بر زمین افتاده را جمع نکنید. آنها را برای فقرا و غریبانی که در میان شما ساکنند، بگذارید. من یهوه، خدای شما هستم.»

عید شیپورها

²³ خداوند به موسی فرمود: ²⁴ «این دستورها را به بنی اسرائیل بده: روز اول ماه هفتم هر سال، روز استراحت است و همه قوم اسرائیل باید با شنیدن صدای شیپورها، برای عبادت جمع شوند. ²⁵ در آن روز هدیه‌ای بر آتش به خداوند تقدیم کنید و هیچ کار دیگری انجام ندهید.»

روز کفاره

²⁶ خداوند به موسی فرمود: ²⁷ «روز دهم ماه هفتم هر سال، روز کفاره است. در آن روز تمام قوم باید برای عبادت جمع شوند و روزه بگیرند و هدیه‌ای بر آتش به خداوند تقدیم کنند. ²⁸ در روز کفاره کار نکنید، زیرا روزی است که باید برای گاهان خود از یهوه خدایتان طلب آمرزش نمایید. ²⁹ هر شخصی که آن روز را در روزه به سر نبرد، از میان قوم خود منقطع خواهد شد. ³⁰⁻³¹ من هر کسی را که در آن روز دست به هرگونه کاری بزند، از میان شما هلاک خواهم ساخت. ³² از غروب

روز نهم ماه هفتم تا غروب روز بعد، روز مخصوص کفاره است و باید در آن روز روزه بگیرید و استراحت کنید.»

عید سایبانا

³³ خداوند به موسی فرمود: ³⁴ «این دستورها را به بنی اسرائیل بده. روز پانزدهم ماه هفتم، عید سایبانا آغاز می شود و باید تا مدت هفت روز در حضور خداوند جشن گرفته شود. ³⁵ در روز اول تمامی قوم اسرائیل را برای عبادت جمع کنید و از کارهای معمول خود دست بکشید. ³⁶ در هر هفت روز عید، هدیه‌ای بر آتش به خداوند تقدیم نمایید. در روز هشتم دوباره تمامی قوم را برای عبادت جمع کنید و هدیه‌ای بر آتش به خداوند تقدیم نمایید. این روز، آخرین روز عید است و نباید هیچ کاری انجام دهید.

³⁷ «(این است اعیاد مقدّسی که در آنها باید تمامی قوم برای عبادت جمع شده، قربانیهای سوختنی، هدایای آردی، هدایای نوشیدنی و سایر قربانیا را بر آتش به خداوند تقدیم کنند. ³⁸ این اعیاد مقدّس غیر از روزهای مخصوص شَبّات است. هدایایی که در این اعیاد تقدیم می کنید غیر از هدایای روزانه، نذری و داوطلبانه‌ای است که به خداوند تقدیم می کنید.)

³⁹ «از روز پانزدهم ماه هفتم که پایان برداشت محصول است، این عید هفت روزه را در حضور خداوند جشن بگیرید. به یاد داشته باشید که روزهای اول و آخر این عید، روزهای استراحت می باشند. ⁴⁰ در روز اول، از درختان خود میوه‌های خوب بچینید و شاخه‌های نخل و شاخه‌های درختان پربرگ و شاخه‌های بید را گرفته با آنها سایبان درست کنید و هفت روز در حضور یهوه خدایتان شادی کنید. ⁴¹ برگزاری این عید هفت روزه در ماه هفتم برای خداوند، فریضه‌ای ابدی است که باید

نسل اندر نسل انجام گیرد. ⁴² در طول آن هفت روز همه شما اسرائیلی‌ها باید در سایبانها به سر برید. ⁴³ هدف از این عید آن است که نسلهای شما بدانند هنگامی که من بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردم، آنها را در زیر سایبانها سکونت دادم. من خداوند، خدای شما هستم.»
⁴⁴ بدین ترتیب موسی قوانین اعیاد خداوند را به اطلاع قوم اسرائیل رسانید.

24

نگهداری از چراغها

¹ خداوند به موسی فرمود: ² «به بنی اسرائیل دستور بده روغن خالص از زیتون فشرده برای ریختن در چراغدان بیاورند تا چراغها همیشه روشن باشند. ³ هارون چراغدان را بیرون پرده صندوق عهد در خیمه ملاقات، از غروب تا صبح همیشه در حضور خدا روشن نگاه دارند. این یک قانون جاودانی برای نسلهای شماست. ⁴ او باید چراغهای چراغدان طلای خالص را همیشه در حضور خداوند روشن نگاه دارد.»

نان مقدس

⁵ «آرد مرغوب بردار و از آن دوازده قرص نان پیز؛ برای هر قرص، یک کیلو آرد مصرف کن. ⁶ آنها را در دو ردیف شش تایی روی میزی که از طلای خالص است و در حضور خداوند قرار دارد بگذار. ⁷ روی هر ردیف نان، کندر خالص بگذار، تا همراه نان، به عنوان یادگاری و هدیه مخصوص به خداوند تقدیم شود. ⁸ هر روز شبات، این نان باید در حضور خداوند چیده شود. این نان به عنوان عهدی ابدی باید از بنی اسرائیل دریافت شود. ⁹ نانها به هارون و پسرانش و نسلهای او تعلق دارد و ایشان باید آنها را در جای مقدسی که برای این منظور در نظر گرفته شده است بخورند، زیرا این هدیه از مقدسترین هدایایی است که بر آتش به درگاه خداوند تقدیم می‌شود.»

مجازات کفر

10 روزی در اردوگاه، مرد جوانی که مادرش اسرائیلی و پدرش مصری بود با یکی از مردان اسرائیلی به نزاع پرداخت. 11 هنگام نزاع مردی که پدرش مصری بود به خداوند* کفر گفت. پس او را نزد موسی آوردند. مادر آن مرد، دختر دبری از قبیله دان بود و شلومیت نام داشت. 12 او را به زندان انداختند تا هنگامی که معلوم شود خواست خداوند برای او چیست.

13 آنگاه خداوند به موسی فرمود: 14 «کسی را که کفر گفته بیرون اردوگاه ببر و به تمام کسانی که کفر او را شنیدند، بگو که دستهای خود را بر سر او بگذارند. بعد تمام جماعت او را سنگسار کنند. 15 به بنی اسرائیل بگو: هر که به خدای خود کفر و ناسزا بگوید باید سزایش را ببیند. 16 هر که نام خداوند را کفر بگوید باید کشته شود؛ تمام جماعت باید او را سنگسار کنند. هر اسرائیلی یا غیراسرائیلی میان شما که به خداوند کفر بگوید، باید کشته شود.

17 «هر که انسانی را بکشد، باید کشته شود. 18 هر کس حیوانی را که مال خودش نیست بکشد، باید عوض دهد: جان در عوض جان. 19 هر که صدمه‌ای به کسی وارد کند، باید به خود او نیز همان صدمه وارد شود: 20 شکستگی به عوض شکستگی، چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان. 21 پس، هر کس حیوانی را بکشد، باید برای آن عوض دهد، اما اگر انسانی را بکشد، باید کشته شود. 22 این قانون هم برای غریبه‌ها و هم برای اسرائیلی‌هاست. من یهوه، خدای شما هستم.»

23 پس آن جوان را که کفر و ناسزا گفته بود بیرون اردوگاه برده، همان‌طور که خداوند به موسی امر فرموده بود، سنگسار کردند.

* 24:11 1124: عبری: «نام.»

25

سال هفتم

1 هنگامی که موسی بالای کوه سینا بود، خداوند به او فرمود: 2 «این دستورها را به بنی اسرائیل بده: وقتی به سرزمینی که من به شما می‌دهم رسیدید، هر هفت سال یک بار بگذارید زمین در حضور خداوند استراحت کند. 3 شش سال زمینهای زراعتی خود را بکارید، درختان انگورتان را هرس نمایید و محصولات خود را جمع کنید، 4 ولی در طول سال هفتم زمین را وقف خداوند کنید و چیزی در آن نکارید. در تمام طول آن سال بذری نکارید و درختان انگورتان را هرس نکنید. 5 حتی نباتات خودرو را برای خود درو نکنید و انگورها را برای خود نچینید، زیرا آن سال برای زمین، سال استراحت است. 6-7 هر محصولی که در آن سال بروید برای همه می‌باشد، یعنی برای شما، کارگران و بردگان شما، و هر غریبی که در میان شما ساکن است. بگذارید حیوانات اهلی و وحشی نیز از محصول زمین بخورند.

سال یوبیل

8 «هر پنجاه سال یک بار، 9 در روز کفاره که روز دهم از ماه هفتم است، در سراسر سرزمین‌تان شیپورها را با صدای بلند بنوازید. 10 سال پنجاهم، سال مقدسی است و باید برای تمام ساکنان سرزمینتان آزادی اعلام شود. در آن سال باید تمام مایملک فامیلی که به دیگران فروخته شده به صاحبان اصلی یا وارثان ایشان پس داده شود و هر کسی که به بردگی فروخته شده نزد خانواده‌اش فرستاده شود. 11 سال پنجاهم، سال یوبیل است. در آن سال نه بذر بکارید، نه محصولاتتان را درو کنید، و نه انگورتان را جمع کنید، 12 زیرا سال یوبیل برای شما سال مقدسی است. خوراک آن سال شما از محصولات خودرویی باشد که در مزرعه‌ها می‌رویند. 13 آری، در طول سال یوبیل هر کسی باید به ملک اجدادی

خود بازگردد. اگر آن را فروخته باشد، دوباره از آن خودش خواهد شد. 14 اگر زمینی به همسایه خود می‌فروشید یا زمینی از او می‌خرید، در معامله بی‌انصافی نکنید. 15-16 مبلغی که برای خرید زمین می‌پردازید باید با در نظر گرفتن تعداد سالهایی باشد که از سال یوبیل گذشته است. فروشنده نیز باید بر اساس تعداد سالهایی که تا سال یوبیل بعدی مانده، مبلغش را تعیین کند. 17 از خدای خود بترسید و یکدیگر را فریب ندهید. من یهوه خدای شما هستم. 18 اگر از احکام و قوانین خداوند اطاعت کنید در آن سرزمین، امنیت خواهید داشت 19 و زمین محصول خود را خواهد داد و شما سیر و آسوده‌خاطر خواهید بود. 20 شاید پرسید: "پس در سال هفتم که نه اجازه داریم چیزی بکاریم و نه محصولی جمع کنیم، چه بخوریم؟" 21-22 من محصول سال ششم را به قدری برکت می‌دهم که تا زمان برداشت محصولی که در سال هشتم کاشته‌اید باقی بماند و شما از آن بخورید.

بازخرید املاک

23 «به یاد داشته باشید که زمین مال خداوند است، و نمی‌توانید آن را برای همیشه بفروشید. شما می‌توانید خداوند هستید و می‌توانید فقط از محصول زمین استفاده کنید. 24 هنگام فروش زمین، باید قید شود که هر وقت فروشنده بخواید، می‌تواند زمین را بازخرید نماید. 25 اگر کسی تنگدست شد و مقداری از زمین خود را فروخت، آنگاه نزدیکترین خویشاوند او می‌تواند زمین را بازخرید نماید. 26 اما اگر کسی را نداشته باشد که آن را بازخرید کند ولی خود او پس از مدتی به مقدار کافی پول به دست آورد، 27 آنگاه، هر وقت که بخواید می‌تواند با در نظر گرفتن مقدار محصولی که تا سال پنجاهم از زمین حاصل می‌شود، قیمت آن را پردازد و زمین را پس بگیرد. 28 ولی اگر صاحب اصلی نتواند آن را بازخرید نماید، زمین

تا سال یوییل از آن مالک جدیدش خواهد بود، ولی در سال یوییل باید دوباره آن را به صاحبش برگرداند.

²⁹ «اگر مردی خانه خود را که در شهر است بفروشد، تا یک سال فرصت دارد آن را بازخرید نماید. ³⁰ اگر در طی آن سال بازخرید نکرد آنگاه برای همیشه مال صاحب جدیدش خواهد بود و در سال یوییل به صاحب اصلی اش پس داده نخواهد شد. ³¹ اما خانه‌هایی را که در روستاهای بدون دیوار قرار دارند، می‌توان مثل زمین زراعتی در هر زمان بازخرید نمود و در سال یوییل باید آنها را به صاحبان اصلی بازگردانید.

³² «اما یک استثنا وجود دارد: خانه‌های لایوان، حتی اگر در شهر نیز باشند، در هر موقع قابل بازخرید خواهند بود ³³ و باید در سال پنجاهم به صاحبان اصلی پس داده شوند، چون به لایوان مثل قبیله‌های دیگر زمین زراعتی داده نمی‌شود، بلکه فقط در شهرهای خودشان به ایشان خانه داده می‌شود. ³⁴ لایوان اجازه ندارند مزرعه‌های حومه شهر خود را بفروشند، زیرا اینها ملک ابدی ایشان است.

³⁵ «اگر یکی از هم‌نژادان اسرائیلی تو فقیر شد، وظیفه توست که به او کمک کنی. پس از او دعوت کن تا به خانه تو بیاید و مثل میهمان با تو زندگی کند. ³⁶ از او هیچ سود نگیر، بلکه از خدای خود بترس و بگذار برادرت با تو زندگی کند. ³⁷ برای پولی که به او قرض می‌دهی سود نگیر و بدون بهره به او خوراک بفروش، ³⁸ زیرا خداوند، خدایتان، شما را از سرزمین مصر بیرون آورد تا سرزمین کنعان را به شما بدهد و خدای شما باشد.

³⁹ «اگر یکی از هم‌نژادان اسرائیلی تو فقیر شد و خود را به تو فروخت، تو نباید با او مثل برده رفتار کنی، ⁴⁰ بلکه باید با او مثل کارگر روزمزد یا میهمان رفتار کنی و او فقط تا سال یوییل برای تو کار کند. ⁴¹ در آن سال او باید با پسرانش از پیش تو برود و نزد فامیل و املاک خود بازگردد. ⁴² شما بندگان خداوند هستید و خداوند شما را از مصر بیرون

آورد، پس نباید به بردگی فروخته شوید. ⁴³ با آنها با خشونت رفتار نکن و از خدای خود بترس. ⁴⁴ اما اجازه دارید بردگانی از اقوامی که در اطراف شما زندگی می‌کنند خریداری کنید ⁴⁵ و همچنین می‌توانید فرزندان غریبانی را که در میان شما ساکنند بخرید، حتی اگر در سرزمین شما به دنیا آمده باشند. ⁴⁶ آنان بردگان همیشگی شما خواهند بود و بعد از خودتان می‌توانید ایشان را برای فرزندانتان واگذارید. ولی با برادرانتان از قوم اسرائیل چنین رفتار نکنید.

⁴⁷ «اگر غریبی که در میان شما ساکن است ثروتمند شود و یک اسرائیلی، فقیر گردد و خود را به آن غریب یا به یکی از افراد خاندان او بفروشد، ⁴⁸ پس از فروخته شدن، حق بازخرید خواهد داشت. یکی از برادرانش می‌تواند او را بازخرید کند، ⁴⁹ یا عمویا پسر عمویش یا یکی از اقوام نزدیکش می‌تواند او را بازخرید نماید. اگر خود او هم پولی به دست آورد، می‌تواند خود را بازخرید نماید. ⁵⁰ او با بازخریدکننده‌اش باید از سال برده شدنش تا سال یوبیل را حساب کند. بهای آزادی او باید برابر مزد یک کارگر در همان مدت باشد. ⁵¹ اگر تا سال یوبیل مدت زیادی باقی مانده باشد، او باید پول بیشتری برای آزادی خود بپردازد ⁵² و اگر سالهای کمی تا سال یوبیل مانده باشد، پول کمتری. ⁵³ اگر خود را به غریبه‌ای بفروشد آن غریبه باید با او مثل یک کارگر روزمزد رفتار کند؛ نباید با او با خشونت رفتار نماید. ⁵⁴ اگر پیش از فرا رسیدن سال یوبیل بازخرید نشود، باید در آن سال، خود و فرزندانش آزاد گردند، ⁵⁵ چون بنی اسرائیل به من تعلق دارند و بندگان من هستند، که آنها را از سرزمین مصر بیرون آوردم. من یهوه خدای شما هستم.

1 «برای خود بت نسازید و مجسمه، ستونهای سنگی و سنگهای تراشیده شده برای پرستش برپا نکنید، زیرا من یهوه، خدای شما هستم. 2 قانون روز شبات مرا اطاعت کنید و خیمه ملاقات مرا محترم بدارید، زیرا من یهوه هستم.»

3 «اگر فریاض و فرامین مرا اطاعت کنید، 4 به موقع برای شما باران خواهم فرستاد و زمین، محصول خود را و درختان، میوه خود را خواهند داد. 5 خرمن شما به قدری زیاد خواهد بود که کوبیدن آن تا هنگام چیدن انگور ادامه خواهد داشت و انگور شما به قدری فراوان خواهد بود که چیدن آن تا فصل کاشتن بذر طول خواهد کشید. خوراک کافی خواهید داشت و در سرزمین خود در امنیت زندگی خواهید کرد، 6 زیرا من به سرزمین شما صلح و آرامش خواهم بخشید و شما با خاطری آسوده به خواب خواهید رفت. حیوانات خطرناک را از سرزمینتان دور خواهم نمود و شمشیر از زمین شما گذر نخواهد کرد. 7 دشمنانتان را تعقیب خواهید کرد و ایشان را با شمشیرهایتان خواهید کشت. 8 پنج نفر از شما صد نفر را تعقیب خواهند کرد و صد نفرتان ده هزار نفر را! تمام دشمنانتان را شکست خواهید داد. 9 شما را مورد لطف خود قرار خواهم داد و شما را کثیر گردانیده، به عهدی که با شما بسته‌ام وفا خواهم کرد. 10 به قدری محصول اضافی خواهید داشت که در وقت به دست آمدن محصول جدید ندانید با آن چه کنید! 11 من در میان شما ساکن خواهم شد و دیگر شما را منقطع نخواهم کرد. 12 در میان شما راه خواهم رفت و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود. 13 من یهوه، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا دیگر برده نباشید. زنجیرهای اسارت شما را پاره کردم و شما را سربلند نمودم.»

مجازات ناطاعتی

14 «ولی اگر به من گوش ندهید و مرا اطاعت نکنید،¹⁵ فرایض و قوانین مرا به جا نیاورید و عهدی را که با شما بسته‌ام بشکنید،¹⁶ آنگاه من شما را تنبیه خواهم کرد و وحشت و بیماری‌های مهلک و تبی که چشم‌هایتان را کور کند و عمرتان را تلف نماید بر شما خواهم فرستاد. بذر خود را بیوده خواهید کاشت، زیرا دشمنانتان حاصل آن را خواهند خورد.¹⁷ من بر ضد شما برخوام خاست و شما در برابر دشمنان خود پا به فرار خواهید گذاشت. کسانی که از شما نفرت دارند بر شما حکومت خواهند کرد. حتی از سایه خود خواهید ترسید.

18 «اگر باز هم مرا اطاعت نکنید، هفت بار شدیدتر از پیش، شما را به خاطر گناهانتان مجازات خواهم کرد.¹⁹ قدرت شما را که به آن نفرت می‌کنید، نابود خواهم کرد. آسمان شما بی باران و زمین شما خشک خواهد شد.²⁰ نیروی خود را از دست خواهید داد، چون زمین شما بی حاصل خواهد شد و درختانتان میوه خود را نخواهند داد.

21 «اگر همچنان با من مخالفت کنید و به من گوش ندهید، آنگاه به خاطر گناهانتان هفت مرتبه بیشتر بلا بر سرتان خواهم فرستاد.²² جانوران وحشی را می‌فرستم تا فرزندان‌تان را بکشند و حیوانات شما را هلاک کنند. در نتیجه تعداد جمعیت شما کاسته خواهد شد و جاده‌هایتان بدون رهگذر و متروک خواهد گردید.

23 «اگر با وجود این اصلاح نشوید و برخلاف خواست من رفتار کنید،²⁴ آنگاه من هم برخلاف میل شما رفتار خواهم کرد و شما را به سبب گناهانتان هفت بار بیشتر از پیش تنبیه خواهم نمود.²⁵ اگر عهد مرا بشکنید، از شما انتقام خواهم گرفت و علیه شما جنگ بر پا خواهم کرد. وقتی از دست دشمن به شهرهایتان بگریزید در آنجا وبا به میان شما خواهم فرستاد، و شما مغلوب دشمنانتان خواهید شد.²⁶ ذخیره آرد شما

را از بین خواهم برد به طوری که حتی یک تنور هم برای پختن نان ده خانواده زیاد باشد. وقتی سهم نان خود را بخورید، باز هم گرسنه خواهید ماند.

27 «با وجود این اگر باز به من گوش ندهید و اطاعت نکنید، 28 به شدت غضبناک خواهم شد و به سبب گناهانتان هفت مرتبه شدیدتر از پیش شما را تنبیه خواهم کرد، 29 به حدی که از شدت گرسنگی پسران و دختران خود را خواهید خورد. 30 بخانه‌هایی را که در بالای تپه‌ها ساخته‌اید خراب خواهم کرد، مذبحهایی را که بر آنها بخور می‌سوزانید با خاک یکسان خواهم نمود، جسدهای شما را بر بت‌های بی‌جانتان خواهم انداخت و از شما نفرت خواهم داشت. 31 شهرهایتان را ویران و مکانهای عبادتان را خراب خواهم کرد. قربانی‌هایتان را نخواهم پذیرفت. * 32 آری، سرزمین شما را خالی از سکنه خواهم کرد به طوری که دشمنانتان در آنجا ساکن خواهند شد و از بلایی که بر سر شما آورده‌ام، حیران خواهند شد.

33 «بلای جنگ را بر شما خواهم فرستاد تا در میان قوما پراکنده شوید. سرزمین شما خالی و شهرهایتان خراب خواهند شد. 34 سرانجام در تمام سالهایی که شما در سرزمین دشمن در اسارت به سر می‌برید، زمین بایر خواهد ماند و از سالهای شبّات خود برخوردار خواهد شد و استراحت خواهد کرد. 35 آری، زمین در تمام مدتی که متروک است استراحت خواهد کرد، استراحتی که در شبّاتهای ایام سکونت شما از آن بی‌بهره بود. 36 «کاری می‌کنم که آن عده از شما هم که به سرزمین دشمن به اسارت رفته‌اید، در آنجا پیوسته در ترس و وحشت به سر برید. از صدای برگ درختی که باد آن را بر روی زمین حرکت می‌دهد پا به فرار خواهید

* 31:26 26:31: عبری: «بوی خوشایند قربانی‌های شما را نخواهم بوید.»

گذاشت. به گمان اینکه دشمن در تعقیب شماست، خواهید گریخت و بر زمین خواهید افتاد. ³⁷ آری، هر چند کسی شما را تعقیب نکند، پا به فرار خواهید گذاشت و در حین فرار روی هم خواهید افتاد، گویی از جنگ می‌گریزید؛ و توان مقابله با دشمن را نخواهید داشت. ³⁸ در میان قوما هلاک خواهید شد و در میان دشمنان از پای در خواهید آمد. ³⁹ آنهایی که باقی بمانند در سرزمین دشمن به خاطر گاهان خود و گاهان اجدادشان از بین خواهند رفت.

⁴⁰ «ولی اگر به تقصیرات خود و تقصیرات پدرانشان اعتراف کنند، یعنی به خیانتی که به من ورزیده و به مخالفت با من برخاسته‌اند ⁴¹ و من نیز به مخالفت با ایشان برخاسته و ایشان را به سرزمین دشمنانشان تبعید کرده‌ام؛ پس اگر دل نامحزون ایشان فروتن شود و تقصیرات خود را بپذیرند، ⁴² آنگاه دوباره وعده‌های خود را با ابراهیم و اسحاق و یعقوب به یاد خواهم آورد و به یاد سرزمین آنها خواهم افتاد، ⁴³ سرزمینی که متروک مانده، کشت نشده و استراحت یافته است. هر چند ایشان به خاطر رد کردن قوانین من و خوار شمردن فرایض من مجازات خواهند شد، ⁴⁴ ولی با وجود این من ایشان را در سرزمین دشمنانشان ترک نخواهم کرد و به کلی از بین نخواهم برد و عهد خود را با آنها نخواهم شکست، چون من یهوه، خدای ایشان هستم. ⁴⁵ من عهدی را که با اجداد ایشان بستم به یاد خواهم آورد، زیرا من اجداد ایشان را پیش چشم تمام قوما از مصر بیرون آوردم تا خدای ایشان باشم. من یهوه هستم.»

⁴⁶ اینها احکام، قوانین و مقرراتی هستند که خداوند در کوه سینا توسط موسی به قوم اسرائیل داد.

1 خداوند به موسی فرمود: 2 «این دستورها را به قوم بنی اسرائیل بده: هرگاه شخصی به موجب نذری به خداوند وقف شود، می‌تواند مبلغ معینی پردازد و خود را از وقف آزاد سازد. 3 مردی که سنش بین بیست تا شصت سال باشد، پنجاه مثقال نقره برحسب مثقال* عبادتگاه، پردازد. 4 زنی که سنش بین بیست تا شصت سال باشد سی مثقال نقره، 5 پسران پنج تا بیست ساله باید بیست مثقال نقره و دختران پنج تا بیست ساله باید ده مثقال نقره پردازند. 6 برای پسر یک ماهه تا پنج ساله، پنج مثقال نقره و برای دختر یک ماهه تا پنج ساله، سه مثقال نقره پرداخت شود. 7 مرد از شصت سال به بالا باید پانزده مثقال نقره و زن از شصت سال به بالا باید ده مثقال نقره پردازد. 8 ولی اگر کسی فقیرتر از آن باشد که بتواند این مبلغ را پردازد، نزد کاهن آورده شود و کاهن مبلغی را تعیین کند که او قادر به پرداخت آن باشد.

9 «اگر نذر او شامل دادن حیوانی است که به عنوان قربانی به خداوند تقدیم می‌شود، چنین هدیه‌ای به خداوند مقدس خواهد بود. 10 نذرکننده تصمیم خود را در خصوص چیزی که برای خداوند نذر کرده است نباید تغییر دهد و خوب را با بد یا بد را با خوب عوض نکند. اگر چنین کند، اولی و دومی، هر دو از آن خداوند خواهند بود. 11 ولی اگر حیوانی که برای خداوند نذر شده آن نوع حیوانی نیست که برای قربانی مجاز می‌باشد، صاحبش آن را نزد کاهن بیاورد 12 تا قیمتش را تعیین کند و او باید آن مبلغ را هر قدر که باشد، پردازد. 13 اگر حیوان از نوعی است که می‌توان آن را به عنوان قربانی تقدیم نمود ولی صاحبش می‌خواهد آن را بازخرد نماید، در آن صورت علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین می‌کند، باید یک پنجم قیمت آن را نیز اضافه پردازد.

* 27:3 327: عبری: «شیکل». یک شیکل تقریباً معادل ۱۱ گرم است.

14 «اگر کسی خانه خود را وقف خداوند کند، کاهن باید قیمت خانه را تعیین کند و نذرکننده، این مبلغ را هر قدر که باشد، پردازد. 15 اگر وقف کننده بخواهد خانه خود را بازخريد کند، باید یک پنجم بر قیمت آن اضافه کند، آنگاه خانه دوباره از آن خودش خواهد بود.

16 «اگر کسی قسمتی از زمین خود را وقف خداوند کند، ارزش آن به تناسب مقدار بذری که در آن می‌توان کاشت تعیین شود. قطعه زمینی که صد کیلو جو در آن پاشیده شود، پنجاه مثقال نقره ارزش دارد. 17 اگر شخصی در سال یوییل مزرعه خود را وقف خداوند کند، در آن صورت قیمت زمین برابر با قیمت محصول پنجاه ساله آن خواهد بود. 18 ولی اگر بعد از سال یوییل باشد، آنگاه کاهن قیمت زمین را به تناسب تعداد سالهایی که به سال یوییل بعدی باقی مانده است، تعیین خواهد کرد. 19 اگر آن شخص تصمیم بگیرد آن مزرعه را بازخريد نماید، بایستی علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین می‌نماید یک پنجم هم اضافه پردازد و مزرعه دوباره مال خودش خواهد شد. 20 ولی اگر مزرعه را بدون اینکه بازخريد نموده باشد، به دیگری بفروشد، دیگر هرگز حق بازخريد آن را نخواهد داشت. 21 وقتی که در سال یوییل آن مزرعه آزاد شود، به عنوان موقوفه متعلق به خداوند خواهد بود و باید به کاهنان داده شود.

22 «اگر کسی مزرعه‌ای را که خریده است، وقف خداوند کند ولی آن مزرعه قسمتی از ملک خانوادگی او نباشد، 23 کاهن باید ارزش آن را به تناسب مقدار سالهایی که تا سال یوییل مانده، تعیین کند، و او هم باید همان روز مبلغ تعیین شده را پردازد. این مبلغ به خداوند تعلق دارد. 24 در سال یوییل مزرعه به صاحب اصلی آن که از او خریداری شده، باز پس داده شود. 25 تمام قیمت گذاری‌ها باید برحسب مثقال عبادتگاه

که معادل بیست قیراط[†] است، باشد. ²⁶ «نخست زاده هر حیوانی، خواه گاو و خواه گوسفند، متعلق به خداوند است، پس کسی نمی‌تواند آن را برای خداوند نذر کند. ²⁷ اما نوزاد حیوان حرام گوشت را که نمی‌توان برای خداوند قربانی کرد، می‌توان با پرداخت قیمتی که کاهن برای آن تعیین می‌کند به اضافه یک پنجم، بازخرد نمود. اگر صاحبش نخواهد آن را بازخرد کند، کاهن می‌تواند آن را به شخص دیگری بفروشد.

²⁸ «اما چیزی که تماماً وقف خداوند شده باشد[‡]، چه انسان، چه حیوان و چه مزرعه خانوادگی، هرگز فروخته یا بازخرد نشود چون برای خداوند بسیار مقدس است. ²⁹ کسی که در دادگاه به مرگ محکوم شده

باشد نمی‌تواند جان خود را بازخرد نماید، بلکه باید حتماً کشته شود. ³⁰ «ده یک محصول زمین، چه از غله و چه از میوه، از آن خداوند است و مقدس می‌باشد. ³¹ اگر کسی بخواهد این میوه یا غله را بازخرد نماید، باید یک پنجم به قیمت اصلی آن اضافه کند. ³² ده یک گله و رمه از آن خداوند است. وقتی حیوانات شمرده می‌شوند، هر دهمین حیوان متعلق به خداوند است. ³³ صاحب گله نباید حیوانات را طوری قرار دهد که حیوانات بد برای خداوند جدا شوند و نباید جای حیوان خوب را با بد عوض کند. اگر چنین کند، هر دو حیوان متعلق به خداوند خواهند بود و دیگر هرگز حق بازخرد آنها را نخواهد داشت.» ³⁴ این است دستورهای که خداوند در کوه سینا توسط موسی به قوم اسرائیل داد.

‡ 27:28 † 27:25 27:27: در عبری: «گرا» یک گرا تقریباً معادل ۶۰ گرم است.
2827: «تقدیس» یعنی جدا کردن، اختصاص دادن و مقدس ساختن.

Biblica® Open Persian Contemporary Bible 2022

The Holy Bible in Iranian Persian: Biblica® Open Persian Contemporary Bible 2022

copyright © 2022 Biblica, Inc.

Language: فارسی (Iranian Persian)

Contributor: Biblica, Inc.

Biblica® رایگان معاصر ترجمه مقدس، کتاب

Biblica, Inc. توسط ۲۰۲۲، ۲۰۱۸، ۲۰۰۵، ۱۹۹۵ ©

Biblica® Open Persian Contemporary Bible™

Copyright © 1995, 2005, 2018, 2022 by Biblica, Inc.

تجاری علائم و اختراعات ثبت اداره در Biblica, Inc. توسط که است تجاری علامت "Biblica" شود. می استفاده مجوز با و شده ثبت متحده ایالات

"Biblica" is a trademark registered in the United States Patent and Trademark Office by Biblica, Inc. Used with permission.

Creative Commons License

Creative Commons Attribution-ShareAlike 4.0 (CC BY-SA) الملی بین مجوز تحت اثر این به مجوز این از ای نسخه مشاهده برای است. دسترسی قابل <https://creativecommons.org/licenses/by-sa/4.0> به ای نامه یا کنید مراجعه Creative Commons, PO Box ,1866 Mountain View, CA 94042, USA ارسال کنید.

تجاری علامت از استفاده و است شده ثبت Biblica, Inc. توسط که است تجاری علامت Biblica® که زمانی تا CC BY-SA مجوز شرایط تحت دارد. Biblica, Inc. کپی اجازه به نیاز Biblica® کنید. توزیع و کپی را نشده اصلاح اثر این توانید می ، باشید نخورده دست Biblica® تجاری علامت علامت باید بنابراین می کنید، ایجاد مشتق کار یک ، کردید ترجمه را اثر این یا کردید اصلاح را کپی اگر مشخص اید کرده ایجاد که را تغییراتی باید شما ، مشتق کار مورد در کنید. حذف را Biblica® تجاری این در رایگان صورت به Biblica, Inc. توسط اصلی کار: "بگنجانید خود کار برای را زیر توضیح و کنید www.biblica.com و www.open.bible است دسترسی قابل اینترنتی سایتهای باشد زیر شرح به اثر چاپ حق صفحه یا عنوان در باید چاپ حق اعلامیه

Biblica® رایگان معاصر ترجمه مقدس، کتاب

Biblica, Inc. توسط ۲۰۲۲، ۲۰۱۸، ۲۰۰۵، ۱۹۹۵ ©

Biblica® Open Persian Contemporary Bible™

Copyright © 1995, 2005, 2018, 2022 by Biblica, Inc.

تجاری علائم و اختراعات ثبت اداره در Biblica, Inc. توسط که است تجاری علامت "Biblica" شود. می استفاده مجوز با و شده ثبت متحده ایالات

"Biblica" is a trademark registered in the United States Patent and Trademark Office by Biblica, Inc. Used with permission.

دهید. قرار دسترس در (CC BY-SA) مجوز همان با را خود مشتق کار باید همچنین شما

<https://open.bible/contact-us> در ما با لطفاً، دهید اطلاع اثر این از خود ترجمه مورد در Biblica, Inc. به خواهید می اگر بگیریده. تماس

This work is made available under the Creative Commons Attribution-ShareAlike 4.0 International License (CC BY-SA). To view a copy of this license, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-sa/4.0> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Biblica® is a trademark registered by Biblica, Inc., and use of the Biblica® trademark requires the written permission of Biblica, Inc. Under the terms of the CC BY-SA license, you may copy and redistribute this unmodified work as long as you keep the Biblica® trademark intact. If you modify a copy or translate this work, thereby creating a derivative work, you must remove the Biblica® trademark. On the derivative work, you must indicate what changes you have made and attribute the work as follows: "The original work by Biblica, Inc. is available for free at www.biblica.com and www.open.bible."

Notice of copyright must appear on the title or copyright page of the work as follows:

Biblica® رایگان معاصر ترجمه مقدس، کتاب

Biblica, Inc. توسط ۲۰۲۲، ۲۰۱۸، ۲۰۰۵، ۱۹۹۵، ©

Biblica® Open Persian Contemporary Bible™

Copyright © 1995, 2005, 2018, 2022 by Biblica, Inc.

تجاری علائم و اختراعات ثبت اداره در Biblica, Inc. توسط که است تجاری علامت "Biblica" شود. می استفاده مجوز با و شده ثبت متحده ایالات

"Biblica" is a trademark registered in the United States Patent and Trademark Office by Biblica, Inc. Used with permission.

You must also make your derivative work available under the same license (CC BY-SA).

If you would like to notify Biblica, Inc. regarding your translation of this work, please contact us at <https://open.bible/contact-us>.

This translation is made available to you under the terms of the Creative Commons Attribution Share-Alike license 4.0.

You have permission to share and redistribute this Bible translation in any format and to make reasonable revisions and adaptations of this translation, provided that:

You include the above copyright and source information.

If you make any changes to the text, you must indicate that you did so in a way that makes it clear that the original licensor is not

necessarily endorsing your changes.

If you redistribute this text, you must distribute your contributions under the same license as the original.

Pictures included with Scriptures and other documents on this site are licensed just for use with those Scriptures and documents. For other uses, please contact the respective copyright owners.

Note that in addition to the rules above, revising and adapting God's Word involves a great responsibility to be true to God's Word. See Revelation 22:18-19.

2023-04-13

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 21 Feb 2024 from source files dated 14 Apr 2023

56c19508-0004-5dc5-a2b5-5be5ee3e347a